

مجله علمی و فرهنگی  
پژوهش‌های علمی و فرهنگی

پژوهش‌های علمی و فرهنگی

عجل الله تعالى فرجه الشريف

امام  
مهدی  
عجل الله تعالى فرجه الشريف



پژوهش‌های علمی و فرهنگی

مؤلف : برهان سجادی نسب

صلى الله عليه وسلم

بِقَوْلِهَا وَبِقَوْلِهَا وَبِقَوْلِهَا وَبِقَوْلِهَا  
بِقَوْلِهَا وَبِقَوْلِهَا وَبِقَوْلِهَا وَبِقَوْلِهَا



سرشناسه : سجادی نسب ، برهان

عنوان و نام پدید آور : امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / برهان سجادی نسب

مشخصات نشر : مشهد - رستگار ، ۱۳۸۶ .  
مشخصات ظاهری : ۱۰۴ صفحه .  
شابک : ۹۶۴۷۲۱۳۵۶۵

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : مهدویت  
ده بندی کنگره : ۸ الف ۳۶/۴/س ۲۲۲/۴ BP

ده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲



## انتشارات رستگار

نام کتاب : امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده : برهان سجادی نسب

نوبت چاپ : اول زمستان ۱۳۸۶

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

چاپ : مؤسسه چاپ دقت تلفن : ۲۸۱۰۲۲۰

قیمت : ۱۰۰۰ تومان

ناشر : انتشارات رستگار

مشهد مقدس : چهارراه شهدا خیابان آزادی

بین آزادی ۴ و ۶ تلفن : ۲۲۵۶۵۶۱۵ - ۲۲۲۵۳۹۰

شابک : ۵-۵۶-۷۲۱۳-۹۶۴

## فهرست مطالب

عنوان - صفحه	عنوان - صفحه
اشاره‌ی آیات نور بر طول عمر امام: ۷۱	تقدیم‌نامه: ۷
طول عمر امام عصر در حدیث بزرگان دین: ۷۳	مقدمه: ۹
موعود در معراج: ۷۵	ابتدای آشنایی: ۱۳
لوحه‌ی فاطمه‌الزهرا (سلام الله علیه): ۷۷	نرجس در سامرا و حضور در منزل
ویژگی‌های منحصر به فرد مهدی: ۷۸	امام هادی (ع): ۱۹
قدر قرآن، شأن امامت: ۷۹	در انتظار طلوع خورشید: ۲۱
تجدید عهد همه‌روزه با امام: ۸۱	نسب امام عصر (عج): ۲۶
پنج‌رهی سبز دعا: ۸۳	نام محبوب ما: ۲۷
معرفت نسبت به امام: ۸۹	چهره‌ی امام: ۳۱
اهم وظایف شیعه نسبت به امام: ۸۹	دوره‌های زندگی حضرت: ۳۲
فضایل و فواید دعا در فرج امام: ۹۲	نهان یا آشکار: ۳۲
دو خاتم: ۹۳	افرادیکه امام را در کودکی دیده‌اند: ۳۵
تهمت ناروا: ۹۴	شهادت ابومحمد حسن عسکری (ع): ۳۹
گوشه‌ای دیگر از خصایص حضرت مهدی: ۹۶	پس از شهادت: ۴۰
حرف آخر: ۹۹	امام خردسال: ۴۴
یادداشت‌ها: ۱۰۲	فلسفه‌ی غیبت: ۴۶
کتاب‌نامه: ۱۰۳	عوامل اساسی غیبت: ۴۸
	غیبت در منظر قرآن: ۵۲
	غیبت از منظر بزرگان: ۵۳
	غیبت صغری: ۵۶
	غیبت کبری: ۶۰
	خورشید امامت: ۶۲

## تقدیم نامه

روزها به دنبال زیباترین واژه‌ی خفته در کوچه‌های به گل نشسته‌ی ادب فارسی می‌گشتم تا با ساختن جمله‌ای هر چند کوتاه و مختصر از الهام‌بخش زیبای قلم سپاس‌گزار باشم. اما نه تنها موفق به یافتن واژه‌ی دل‌خواه نشدم، کلمه‌ای نیز همپای شأن مهربانی و لطافت او ندیدم؛ لذا با تقدیم این مجموعه به ذات اقدس الهی می‌خواهم این نوشتار را شایسته‌ی اهداء به پیشگاه مقدّس مهدی (عجل الله تعالی و فرجه العریفه) ، بلندای شکوه‌مند آرزوها، طلوع خفته‌ی همه‌ی زیبایی‌ها، مرزبان حماسه‌ی جاوید شیعه گرداند. او که با ظهورش رسالت ناتمام تمامی انبیاء، کامل خواهد شد.

حضرت ابو محمد الحسن العسكري علیه السلام :

«أبْتِي مُهْدِي هُوَ الْإِمَامَ وَ الْحَجَّهُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفَهُ مَاتَ

مَيْتَةً جَاهِلِيَةً»

«فرزندم مهدی، پس از من، امام و حجّت است، کسی که بمیرد

در حالی که او را نشناسد، چنان است که در جاهلیت مرده باشد.» ۱

## مقدمه

با نام منشأ آرامش، بینش و تفکر و بنام او که آفرینش آینه‌ی وجود اوست. در گستره‌ی تاریک مفرط شباهنگام، آخرین کبوتر تندپای به سرعت از درون قاب شیشه‌ای ساعت، به پرواز در می‌آید و سبک‌بال سعی دارد از دیدگانم بگذرد.

تیک عقربک‌های ساعت به کوتاهی دمی، به شوق رهایی، سیری دیگر در پیش می‌گیرند. لحظه‌ها از قطره‌چکان ایام فرو می‌افتند و در بیکران زمان گم می‌شوند.

برده‌ی زمان را به کناری می‌نهیم و با قدم اندیشه قرن‌ها را در می‌نوردیم تا به نیمه‌ی دوّم سده‌ی سوّم هجری قمری می‌رسیم.

در ورای زمان و در عالم رؤیا با مشیت الهی و توسط نبی اکرم اسلام ﷺ، ملیکا (نرجس) نوه قیصر روم، به عقد امام حسن عسکری علیه السلام در می‌آیند و پس از لشکرکشی سپاه روم علیه مسلمانان، نرجس در منزل امام هادی فرود می‌آیند. با طلوع فجر پانزدهمین روز از شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری فجر صادق امامت



و سپیده ولایت دمید و هلله‌ی شادی آور کرّوبیان با نوای شادی  
شیعه به هم پیچید.

عصاره‌ی خلقت و خورشید عالم‌تاب جهان اسلام به ویژه تشیع  
حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدّمه الفداء)  
زاده شد و ...

با سپاس از الطاف یگانه‌قادر هستی که ما را توفیق راه نمود تا  
بتوانیم مجموعه‌ای مختصر پیرامون آن امام همام، جهت استفاده و  
بهره‌وری وافر دوست‌دارانش با قلمی ناچیز به رشته‌ی تحریر  
در آوریم.

لغزش قلم بر دل سپید کاغذ به شوق ارادت خالصانه‌ی آن  
ذخیره و حجّت امامت و ولایت همواره از آمال و اندیشه‌هایم بوده  
است و اعتقاد بر این است که حرکت قلم بر ثبات ایمان در عرصه‌ی  
دل آدمیان می‌افزاید و فریادش را در گوش جان طنین‌انداز می‌کند.

آشنایی با ولایت و امامت، مقدّمه‌ی دوست داشتن ائمه‌ی  
معصوم (علیهم السّلام) است و ارادت نسبت به آنان، مقدّمه‌ای برای  
شناخت بایصیرت و باکمال خدایی است و در عدم شناخت امام



معصوم، نجات از جاهلیت میسر نمی‌باشد. گوهر گران‌بها و پاک‌زاده پیامبران و درّه باکرامت نسل معصومین (علیهم السلام)، تنها امام زنده و حاضر عصر را باید شناخت و خود را برای یآوری هدفش آماده نمود. دفتری که در دستان پرمهر شما خواننده‌ی گرامی جای گرفته، نگاهی است بر گوشه‌ی زندگی رازآلود مادر بزرگوار ایشان، تولد آن حضرت و چگونگی‌های آن، زندگی قبل از امامت و سپس شکوه امامت و غیبت پر از اسرار او با استفاده از آیات جاویدان قرآن و گل‌هایی چند از گلزار نبوت و امامت.

انتظار می‌رود مطالعه‌ی این اثر، باب آشنایی بیش‌تری باشد با

صاحب این عصر.

ان شاء الله



## ابتدای آشنایی

چشمان ملیکا (نرجس) به نامهی امام گره خورد. نامه را بوسید و به شدت اشک ریخت. به دفعات نامه را می‌بوسید و بر دیده‌گان می‌گذارد. نرجس خاتون، نوهی قیصر پادشاه روم از زیبایی و جاهت بسیار بالایی برخوردار بود. از کودکی تحت تعلیم جدش قرار گرفت و با بهره‌گیری از اساتید زبردست آن روزگار، علوم و کمالات فراوان کسب کرد و زبان‌های مختلف آموخت. بدین ترتیب سال‌ها گذشت...

ملیکا (نرجس) به معرفی خود می‌پردازد و می‌فرماید: «من نوهی قیصر روم هستم. پدربزرگم پادشاه روم است و مادرم از فرزندان شمعون وصی عیسی علیه السلام سیزده ساله بودم که جدّم می‌خواست مرا به ازدواج پسر برادرش درآورد. مجلس عقد باشکوهی ترتیب داده شد و تعداد زیادی از راهبان نصاری و گروهی از اعیان و اشراف و اُمراء و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت گرد هم آمدند. بر تختی مزین و آراسته به انواع جواهرات نشسته بودم. رهبران مذهبی دعاهایی از انجیل می‌خواندند و می‌خواستند مراسم عقد را برگزار

کنند. همین که پسرعمویم به قصد نشستن بر تخت کنارم قرار گرفت، زلزله‌ای مهیب به وجود آمد که صلیب‌ها به روی زمین افتادند و پایه‌های تخت شکست و پسرعمویم بیهوش رها گردید. رنگ از روی اسقف‌ها پرید و بر خود می‌لرزیدند. پاپ و بزرگ اسقف‌ها رو به قیصر گفت: پادشاه! ما را معاف دار از مشاهده‌ی تکرار این اوضاع که نشانه‌ی زوال دین مسیح و افول پادشاهی شماست.

جدّم نیز این وضعیت را به فال بد گرفت؛ اما دستور داد تخت، مجدّداً ترمیم و مزین و آراسته گردد و مراسم عقد را دوباره و از نو آغاز کنند تا با این پیوند مبارک، ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها برطرف شود. با شگفتی و در عین ناباوری همان حادثه‌ی قبل اتفاق افتاد. اسقف‌ها و کشیش‌ها به همراه بزرگان لشکری و حاضرین، حیران و سراسیمه مجلس را ترک کردند و من سراسیمه و بی‌قرار تالار را ترک کرده و به اتاق دیگری پناه بردم.

شب در عالم رؤیا عیسی علیه السلام را دیدم به همراه شمعون، وصی او و جمعی از حواریون که در قصر جدّم جمع شده بودند و به جای

تخت، منبری از نور گذاشته و گویی منتظر کسی یا کسانی بودند. زمانی نگذشت که حضرت محمد « ا » و علی « ا » و جمعی از فرزندانش وارد کاخ شدند و قصر را به نور قدم خویش منور ساختند. مسیح از آنها استقبال نمود و سپس دست در دست حضرت رسول اکرم ﷺ به گفت و گو و معانقه با او پرداخت. حضرت محمد ﷺ رو به عیسی فرمودند: یا روح الله! من به خواستگاری دختر وصی شما برای فرزندم ابومحمد آمده‌ام و اشاره نمودند به ماه برج امامت امام حسن عسکری علیه السلام.

عیسی علیه السلام رو به شمعون فرمودند: شرافت و بزرگی و کرامت دو جهان به سوی تو روی آورده است، با این وصلت موافقت کن. او نیز اعلام رضایت نمود. آن گاه حضرت محمد ﷺ بر بالای منبری از نور قرار گرفته و با عیسی علیه السلام خطبه‌ی عقد مرا جاری کردند و فرزندان پیامبر و حواریون را شاهد گرفتند.

صبح که از آن خواب خوش بختی خود بیدار شدم، از بیم و ترس قتل خود - آن خواب را برای کسی نقل نکردم و آن گنج یگانه را در سینه پنهان داشتم و آتش محبت آن خورشید فلک امامت و ولایت

روز به روز در کانون سینه‌ام مشتعل‌تر می‌گشت و سرمایه‌ی صبر و قرار من به باد فنا می‌رفت تا آن‌جا که از خوردن و آشامیدن بی‌زار و هر روز فروغ چهره‌ام بی‌رنگ‌تر می‌شد و آثار عشقِ پنهان در بروم ظاهر می‌شد؛ اما روحم سرشار از عطر وجود روحانی پیامبر اسلام و فرزندان او گردیده بود. در شهرهای روم طبیعی نماند که جدّم برای مداوا و معالجه‌ی من حاضر نکرده باشد و پزشکی نماند مگر این که جدّم از دوا‌ی درد من از او سؤال ننموده باشد. حال، همه از سلامت مجدّد من قطع امید کرده بودند و از علاج درد من مأیوس بودند. روزی جدّم گفت: ای نور دیدگانم! آیا در خاطرت برای دنیا آرزویی هست تا برآورده سازم؟ گفتم: ای جدّم! اگر شکنجه و آزار را از اسرا و زندانیان مسلمان برداری و آزادشان سازی امید دارم که حق تعالی و حضرت مسیح و مادرش مرا شفا عنایت کنند. سپس به دستور جدّم با مسلمانان مدارا شد و من اندک صحت و عافیتی از خود نمایاندم و اندکی غذا خوردم. به میمنت سلامت من دیگر اسرای مسلمان عزیز داشته شدند.

اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ  
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ  
الطَّاهِرِينَ

چهارده شب بعد در عالم رؤیا حضرت فاطمه الزهرا (ملاء الله علیه) و مریم مقدس علیها السلام و حوریه‌های بهشتی به عیادت من آمدند. من با گریه و زاری و التماس دامن فاطمه (ملاء الله علیه) را گرفتم و از این که در این مدت حضرت عسکری علیه السلام به سراغ من نیامده‌اند شکایت و گله نمودم. حضرت فرمودند: «از این جهت او به دیدن شما نیامده است که هنوز مسیحی هستی و اگر می‌خواهی خداوند و حضرت عیسی علیه السلام و مریم علیها السلام از تو راضی شوند و پسرم ابو محمد علیه السلام به دیدنت بیاید مسلمان شو و شهادتین دین اسلام را بخوان «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

دو کلمه‌ی طیبه‌ای را که آموخته بودم زمزمه می‌کردم. در این هنگام حضرت فاطمه (ملاء الله علیه) مرا در آغوش گرفتند و گفتند: «منتظر پسرم باش، او را به سویت خواهم فرستاد.» در حال زمزمه و تکرار این دو جمله که از آن بزرگوار آموخته بودم از خواب بیدار شدم. شبی دیگر امام عسکری علیه السلام به خوابم آمدند. شکوه و ناله کردم و گفتم چرا بعد از شیفتگی و شیدایی من، خود را از من دریغ می‌داشتی؟

اللهم صل على محمد و آل محمد

فرمودند: عدم حضور من به خاطر مذهبیت بود و حال که اسلام آورده‌ای باز هم به دیدنت می‌آییم تا وقتی که این فراق به وصال مبدل شود. از آن شب تا به حال پیوسته در عالم خواب خدمت آن حضرت بوده‌ام.

در یکی از این شبها در عالم رؤیا، حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: جدت قیصر لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد، تو هم به طور ناشناس در لباس کنیزان همراه با عده‌ای از خدمت‌گزاران به آنان ملحق شو.

من امر حضرت عسکری را اطاعت نمودم و در جریان جنگ، سربازان اسلام ما را اسیر گرفتند تا این که امروز این‌جا هستم، اما تا به حال به کسی نگفته‌ام که نوهی پادشاه روم هستم و عربی را از این جهت به راحتی صحبت می‌کنم که جدّم در راه تعلیم و دانش‌آموزی من سعی زیادی کرد و یک مربّی زبان‌آموزی هم داشتم که عربی را به من آموزش می‌داد و در فراگیری دانش از هیچ کوششی برای من دریغ نداشت.

عجل الله تعالی و فرجه



### نرجس در سامرا و حضور در منزل امام علی النقی هادی علیه السلام

آن هنگام که نرجس در سامرا خدمت امام علی النقی هادی علیه السلام رسید، حضرت به او خیرمقدم گفتند و پرسیدند: عظمت و سربلندی اسلام و شرف خاندان وحی و خواری نصاری را چه گونه دیدی؟ و نیز در روایت هست که حضرت از او پرسیدند: چه طور شد که خداوند به تو عزت اسلام و شرافت خاندان طهارت و عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و بی‌زاری از نصرانیت را عطا فرمودند؟

می‌گوید: در این مورد شما از من داناترید، پس من چه بگویم و چه گونه چیزی را توصیف کنم که شما نسبت به من اعلمید. حضرت امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: آیا می‌خواهی شرافتی ابدی و عزتی ماندگار را به تو بدهم یا ده هزار دینار اشرفی؟

نرجس می‌گوید: مزدهای ابدی و پیامی مسرت‌بار و شورانگیز را ترجیح می‌دهم بر هزاران درهم اشرفی از طلا و سکه.

امام هادی علیه السلام فرمودند: بشارت باد تو را بر فرزندی که عالم امکان را مالک خواهد بود. متولی امر خداوند خواهد بود و جهان را

المهدی

سرشار از عدالت و کرامت و دادگری خواهد نمود، آن گاه که از عصیان و بیدادگری لبریز گردیده باشد.

امام هادی علیه السلام خطاب به خواهرش، حضرت حکیمه خاتون می فرمایند: خواهرم، این دختر همان است که گفته بودم ای دختر رسول خدا او را به خانه ببرید و احکام اسلامی و معارف دینی بیاموزید و مسایل دینی و روایات را به او تعلیم و آموزش نمایید، زیرا او به زودی مأموریت بزرگ مادری امامت حجت ما را بر دوش خواهد گرفت. ان شاء الله

از القاب نرجس می توان به (خیره الاماء: برگزیده ای از کنیزان و سیده الاماء: سرور کنیزان) اشاره داشت.

طاهره  
الطاهرة

## در انتظار طلوع خورشید

پیامبر اسلام ﷺ:

«المهدی طاووس الجنة»<sup>۲</sup>

در سپیده دم جمعه پانزدهم شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری در شهر مقدس سامرا، «صبح صادق دمید» و نور آل محمد (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدم الفداء) درخشید و آئینه آیت حق تفسیر شد و جهان وامدار حضور او گردید. مادر گرامی او، ملیکا (نرجس، ریحانه، سوسن و صیقل) فرزند یشوعا و نوه قیصر پادشاه روم می باشد و مادر نرجس از فرزندان شمعون بن صفا، وصی حضرت عیسی ﷺ به شمار می رود.

در ابتدای این شب مبارک اثری از وضع حمل بر نرجس آشکار نیست همچون موسی ﷺ که مادر به او حامله بود ولی اثری از وضع حمل نمایان نبود و کسی سر آن را ندانست تا زمان ولادتش.

همگام با طلوع فجر، نرجس - ترسان و لرزان آثار حمل را در خود احساس می کند وعدهی حق را در خود متجلی و آشکار می بیند و بر خود می بالد و شکرگزار توجه و عنایت خداوندی می شود. امام

المهدی  
طاووس الجنة

عسکری علیه السلام رو به سوی حکیمه خاتون می فرمایند: یا عمه! «انا أنزلناه» بخوان. کودک نیز با حکیمه هم آواز بود به ترنم متبرک «سوره قدر» و حکیمه را سلام میگوید.

امام ابو محمد حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: تعجب مدارید از فرمان حضرت حق که خدای تعالی ما را در کودکی به سخن آورد و در بزرگی ما را حجّت می گرداند. برای لحظاتی کوتاه، نرجس از دیدگان اطرافیان پنهان می گردد گویی حجابی بین او کشیده اند و لختی دیگر پرده حجاب برداشته می شود، اثر نوری عظیم و سترگ بر وی آشکار شده، از بالای سر او نور تا به اطراف آسمان می درخشید و کودک رو به قبله به سجده افتاده و مشغول مناجات با خداوند بود. در روایتی دیگر آمده است که حکیمه خاتون می گوید: آن هنگام که کودک متولد شد نوری از او انعکاس یافت (ساطع گردید) که به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سپید بالی را دیدم که از آسمان به زیر می آمدند و بالهای خود را بر سر و روی و بدن کودک می کشیدند و به پرواز درمی آمدند. پس امام عسکری علیه السلام فرمودند: عمه! فرزندم را به نزدم بیاور وقتی کودک را در آغوش گرفتم او را

الطاهر المصاب

ختنه کرده، ناف بریده و پاک و پاکیزه یافتم گویی بر بازوی دست راستش نوشته شده بود:

«جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً»<sup>۲</sup>

حق آمد و باطل نابود شد و به درستی که آن نابود شدنی است. کودک را بنزد پدرش آوردم پدر را سلام داده، پس امام عسکری علیه السلام او را به آغوش گرفت و نوازشش می نمود در گوش راستش اذان و بر گوش چپش اقامه گفته و فرمودند: فرزندم با من سخن بگوی!

بقیه الله (عج) می فرمایند:

«أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن جدی محمداً رسول

الله و أن ابی علیاً ولی الله (و أن ابی امیر المؤمنین وصی رسول الله)

و بر امامت یکایک ائمه تا خودش گواهی داده و فرمود:

«اللهم أنجز لی و عودی، و اتمم لی امری، و ثبت و طاتی، و املأ

الأرض بی عدلاً و قسطاً»

طهوره  
و املأ

و املأ

«بار خدایا! روا کن وعده‌ای که مرا داده‌ای و میعاد مرا عملی ساز، کار مرا به سامان رسان و قدمم را ثابت بدار و زمین را به وسیله من پر از قسط و عدالت گردان»

حضرت امام عسکری علیه السلام می فرماید:

« چون خدا مهدی این امت را به من عطا نمود، دو ملک فرستاد که او را به سراپرده‌های عرش رحمانی بردند. پس (خدا) به او فرمود: مرحبا ای بنده من! تو را خلق کردم به جهت یاری دین خود و اظهار شریعت خود و تویی مهدی بندگان من! قسم به ذات مقدس خود که به اطاعت تو ثواب می‌دهم و به مخالفت تو عقاب می‌کنم مردم را و {به} شفاعت و هدایت تو می‌آموزم بندگان را.

ای دو ملک، او را برگردانید به سوی پدرش و از جانب من او را سلام برسانید و بگوئید که: « او در پناه حفظ و حمایت من است. او را از شر دشمنان حفظ و حمایت می‌نمایم تا وقتی که او را ظاهر گردانم و حق را به او بر پا دارم و باطل را به او سرنگون سازم تا دین حق را برای من خالص نماید.»

المهدی

به مناسبت تولد این نوزاد فرخنده، حضرت عسکری علیه السلام امر فرمودند: «ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت تصدق کنند بر بنی هاشم و غیر آنها و گوسفند و شتر برای عقیقه بکشند»

در روایت آمده است که در روز هفتم تولد بقیه الله (عج)، او را در حالی که درون قنایه‌ای پیچیده شده بود نزد پدر بزرگوارش آوردم پس از بیان توحید خداوند و ذکر سلام و صلوات بر جد بزرگوارش تا امام عسکری علیه السلام این آیه را تلاوت نمودند:

«و تُرِيدَ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»<sup>۴</sup>

باری بقیه الله بدین سان متولد گردید که با تولد خود کرامات فراوانی به همراه داشت و دل‌های شیعیان را به انوار قدسیه‌ی خویش روشن ساخت.

اللهم صل على محمد و آل محمد

## نسب امام عصر (عج)

مهدی (عجل الله تعالى و فرجه الخریفه)، فرزند پیامبر ﷺ است و از اولاد بانوی  
عظیم الشان اسلام زهراى اطهر (سلاه الله علیه) و نهمین امام است از نسل  
امام حسین علیه السلام

- ۱- حسین بن علی علیه السلام ۲- علی بن الحسین علیه السلام ۳- محمد بن  
علی علیه السلام ۴- جعفر بن محمد الصادق علیه السلام ۵- موسی بن جعفر  
صادق علیه السلام ۶- علی بن موسی الرضا علیه السلام ۷- محمد تقی الجواد علیه السلام  
۸- علی النقی هادی علیه السلام ۹- ابو محمد حسن عسکری علیه السلام - مهدی  
(عجل الله تعالى و فرجه الخریفه)

المهدی  
عجل الله تعالى و فرجه الخریفه

نام اصلی حضرت (م.ح.م.د) است. نامی که پیامبر اسلام ﷺ  
برای او گذارده و فرمودند: «اسم او اسم من و کنیه او کنیه من  
است (ابوالقاسم). او شبیه ترین فرد به من در خلقت و صورت و  
شمایل و اخلاق و رفتار است. ( نکته ای را که باید به یاد داشته  
باشیم اینست که خداوند در زمینه ی خُلق و خوی پیامبر ﷺ  
می فرماید: «أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» ه برترین اخلاق، خُلق و خوی  
پیامبر است. «) و بردن نامش مادامی که از شما غائب و در پرده



غیبت است، حلال نیست او غیبتی دارد که مردم در آن ایام سرگردان و گمراه می‌شوند، سپس مانند ستاره تابانی نمایان گشته و در میان امت خود به عدل و داد می‌پردازد، همان‌گونه که از ستم و ظلم پرشده است.

به نقل از امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است که پنجمین فرزند من غیبتی طولانی داشته و بردن نامش در آن روزگاران حلال نیست.

### نام محبوب ما

برای فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، امام دوازدهم ما شیعیان نام‌ها و القاب متعددی ذکر گردیده است و عشاق آن عزیز در جست‌وجوی نام او، تا همواره او را با زیباترین عناوین بخوانند و قصه‌ی هجران بسرایند و حکایت فراق و غیبت را با اشک و آه به نام مقدّسش زمزمه کنند و اوقات دل‌تنگی خود را با ذکر نامش به فراغ خاطر و آسایش روح مبدل سازند و نام آن عزیز پنهان از دیده را نجوای عاشقانه‌ی شبانه خود قرار دهند و به هر بهانه به اشتیاق یادش نامی



از او بر زبان آورند و نام و یادش را چشم‌انداز آینده‌ی خود قرار دهند.

«چون میسر نیست بر من کام او عشقبازی می‌کنم با نام او»

نام‌های حضرت آیینه‌ی انوار وجودی او هستند. هر نامی نکته‌ای تازه و معنایی جدید با خود به همراه دارد با دقت نظر در زیارت حضرت صاحب‌الامر و دعای ندبه و ... اسامی حضرت و معانی آن‌ها به دست می‌آید.

مهدی: أشهر أسماء و القاب آن حضرت در نزد جمیع فرق

اسلامی است به معنی هدایت شده توسط خداوند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: به این جهت او را مهدی گویند که مردم را به اسلام راستین که گم‌شده‌ی آن دوران است، هدایت می‌فرماید. امام باقر علیه السلام نیز در این ارتباط می‌فرمایند: نامیدن مهدی به این جهت است که او مردم را به امری پنهان «اسلام راستین» هدایت و راهنمایی می‌کند.

حجت الله: از القاب شایعه آن بزرگوار است که در بسیاری از

ادعیه و اخبار به این لقب مذکور شده‌اند. به معنای غلبه یا سلطنت

خداوند بر جهانیان به واسطه‌ی وجود آن حضرت در آخرالزمان هم چنین به معنای «آیت و برهان و دلیل آشکار و نشانه خداوند» و نقش خاتم آن بزرگوار «أَنَا حَاجَهُ اللَّهُ» می‌باشد.

بقیه الله: آن وقت که حضرت ظهور کند پشت نماید (تکیه زند) به دیوار کعبه و یارانش جمع شوند اطراف او - امام می‌فرماید: بقیه الله خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ «منم بقیه الله و حجّت او و خلیفه او بر شما» ۶ کسی نیست جز این که این گونه سلام گوید بر او: «السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه»

منصور: در تفسیر آیه شریفه «مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً» امام باقر العلوم علیه السلام می‌فرمایند: او حسین بن علی است و در ادامه این آیه‌ی شریفه «فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفَ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» ۷ امام آخرین از ماست و مقصود از منصور، امام زمان (عج) است. و در دعای ندبه «أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَيَّ مِنْ أَعْتَدِي عَلَيْهِ» ۸ شاید به مناسبت اسم آن جناب باشد.

قائم: به معنی قیام کننده به فرمان حق و آماده و مهیای اجرای فرمان حضرت حق. امام محمد تقی علیه السلام می‌فرمایند: او را قائم

امام باقر  
علیه السلام

امام حسین  
علیه السلام

می‌نامند زیرا به امامت قیام خواهد نمود بعد از خاموش شدن ذکر او و ارتداد اکثر کسانی که قائل به امامت آن حضرت بودند.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: بدین جهت حضرت را قائم گویند که چون جدم حسین علیه السلام به شهادت رسید، ملائکه در بارگاه باری تعالی ناله کرده و ضجّه زدند و گفتند: ای خدای ما! آیا غافل شده‌ای از کشته شدن برگزیده و فرزند پیغمبر و بهترین خلق خود. خداوند خطاب به آنان می‌فرماید که: که آرام بگیرید، قسم به عزت و جلال خود که در هر آینه انتقام خواهم گرفت از آن‌ها حجاب‌ها برداشته شد و نور ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام) از فرزندان حسین علیه السلام را به آن‌ها نمودار کرد. پس یکی از آن انوار را مشاهده نمودند که به نماز ایستاده است. حق تعالی گفت: «با این ایستاده و قائم از آنان انتقام خواهم کشید.»

منتظر: به فتح ظ البطه به کسر ظ هم صحیح است، زیرا حضرت هم منتظر است یعنی انتظار ظهور خود را دارند و هم منتظر است، یعنی مردم بلکه همه‌ی خلایق در انتظار ظهور حضرت هستند. اسامی و القاب دیگر آن حضرت عبارتند از: خلف صالح، شریک، غریم

صاحب الامر، مؤمّل (آرزو برآورده شده و منتظر) منتقم، ولی الله، صاحب الزمان، ماء معین (آب ظاهر و جاری بر روی زمین)، دادگستر جهان و ...

### چهره‌ی امام

امام دارای قامتی متوسط و برافراشته نگاه‌ی مهربان و جذاب، صورتی زیبا، سیرتی نیکو، گندم‌گون، چشمانش سیاه و سرمه‌گون، درشت و جذاب، پیشانی باز و فراخ، سفید و تابان، ابروان باریک و هلالی به هم پیوسته، بینی کشیده و زیبا، میان داندان‌ها باز و یکسان و چون گوهرهایی براق و گران‌بها، منظم و ردیف، دارای شکمی است فربه، پاها قوی و ران‌هایی عریض و پرگوشت دارند. استخوان‌های شانه‌ها درشت پهن و بر پشت دو خال دارد که یکی به رنگ پوست و دیگری شبیه خال پیامبر است، رنگش سفید مایل به سرخی، دارای موهایی است زیبا - رخساره‌اش هم‌چون ماه می‌درخشد و شبیه‌ترین خلق است به نبی مکرم اسلام. در قسمت راست صورت مبارکش خالی وجود دارد - و بر سرش علامتی است، میان دو کتفش عریض است و در شکم و ساق، مانند جدش امیرالمؤمنین علیه السلام است و بر بدن

الطاهر المصاب

مبارک و نازنینش جامه‌ها است از نور که بسیار درخشان است به شعاع انوار فیض و فضل حضرت احدیت.

### دوره‌های زندگی حضرت مهدی (عج)

زندگانی حضرت مهدی (عج) را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

۱- دوره‌ی پنج ساله‌ی تولد تا امامت

۲- دوره‌ی شصت‌ونه ساله‌ی غیبت صغری

۳- دوران غیبت کبری که اکنون نیز ادامه دارد

۴- دوران ظهور حضرت و برقراری حکومت کریمه‌ی اسلامی

### نهان یا آشکار

مهدی (عج) از اولین روز ولادت همواره در نهان می‌زیست و

به‌طور آشکار و نمایان در جامعه حاضر نمی‌گشتند و این بدان جهت

بود تا گزند و آسیبی متوجه وی نگردد. بیش از دو قرن که از هجرت

پیامبر عظیم‌الشان ﷺ می‌گذشت و امامت به امام دهم و یازدهم

رسید. کم‌کم در میان خلفا و حکومت‌داران مستبد عباسی در آن روز

اسلام، نگرانی عمیق جان گرفت و آن وحشت مربوط به احادیث و

روایاتی بود مبنی بر این که فرزندی خواهد آمد که بنیاد حکومت‌های



زور و ستم و ناعدالتی را فرو خواهد ریخت و بر این نکته واقف بودند که خلافت بر مسلمین را به ناحق از علی علیه السلام و فرزندان علی علیه السلام غصب کرده اند و با تبعیض و نابرابری و به زیر سرنیزه و با مکر و فریب و خدعه بر جامعه اسلامی حکومت می‌رانند. لذا آن هنگام که گمان بردند ولادت فرزند ابومحمد علیه السلام نزدیک گردیده، احساس خطر وجودش، در نظر قدرت‌طلبان زر و زور فزونی گرفت و درصدد برآمدن تا از پدید آمدن او جلوگیری کنند و یا پس از تولد او را از میان بردارند. به همین علت بود که چگونگی احوال مهدی (عج)، دوران حمل، تولد و پس از آن از دیدگان عمومی مردم نهان داشته شد. جز تنی چند از نزدیکان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام، کسی او را نمی‌دید، آنان نیز او را نه به صورت عادی و همیشه بلکه گاه به گاه می‌دیدند.

در مدت زمان پنج ساله‌ی ابتدای عمر پربرکت مهدی (عج)، افراد نزدیک به امام، موفق به درک حضور مهدی نایل آمدند تا از تولد و وجودش در خانه‌ی پدر بزرگ‌وارش اطمینان حاصل گردد. در این دیدارها، گاه امام عسکری علیه السلام سخن از جانشینی پس از خود

بیان می کردند و فرزند خود را نشان داده و معرفی می نمودند. و در چندین مورد در جمع شیعیان و خواص خود می فرمودند: پس از من این پسر امام شماست و جانشین و خلیفه من است در میان شما. او امر او را اطاعت کنید و از گرد رهبری او پراکنده نگردید که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد، این را بدانید که پس از امروز او را دیگر نخواهید دید تا اینکه زمانی طولانی بگذرد.

در اثنای این ایاب و ذهاب ها بود که شیعیان مخلص از تولد دوازدهمین امام خود آگاهی یافته و در موقعیت هایی نیز به حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب شده و تولد امام خود را به ایشان تبریک و تهنیت می گفتند.

الطاهر  
المطهر  
المجاهد



## افرادی که امام را در کودکی دیده اند

نام کسانی که امام عصر را در کودکی درک کرده اند و در تاریخ شیعه ثبت و ضبط است به اختصار چند مورد آورده می شود:

(۱) از جمله کسانی که امام را درک کرده و جریان مفصل آن شرح گردیده است حکیمه خاتون عمه بزرگوار امام عسکری علیه السلام است در شب میلاد آن امام همام.

(۲) نسیم و ماریه از خدمتکاران امام عسکری علیه السلام می گویند: وقتی مهدی علیه السلام متولد شد بر دو زانوی خود نشست و انگشتانش را به سوی آسمان بلند نمود که ...

(۳) ابوغانم خادم نیز شرح ملاقات خود با امام عسکری علیه السلام و شرفیابی حضور به امام مهدی را بیان داشته است.

(۴) عبدالله بن عباس می گوید: در شهر سامرا خدمت حضرت عسکری علیه السلام رسیدم و تولد فرزندش را تبریک گفتم.

(۵) ابوعلی خیزرانی می گوید: به هنگام تولد مهدی (عج)، من حاضر بودم و امام عسکری علیه السلام را تبریک و تهنیت دادم.

امام مهدی علیه السلام

۶) ابوهارون می گوید: صاحب الزمان (عج) را دیدم در حالی که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید.

۷) عمرو اهوازی می گوید: امام عسکری علیه السلام فرزندش را به من نشان داد و فرمود: پس از من، او رهبر و امام شماست.

۸) خادم فارسی نیز روایتی به همین مضمون دارد.

۹) ابونصر خادم می گوید: مهدی (عج) را در گهواره دیدم که فرمودند: «من آخرین وصی خدایم برای شما.»

۱۰) سعد می گوید: مهدی (عج) را دیدم چون پاره‌ای از خورشید که بر روی زانوی امام عسکری علیه السلام قرار داشت و من با او به گفت و گو نشستیم.

۱۱) علی بن ابراهیم بن مهزیار که خادم آن حضرت بود نیز مهدی (عج) را در دامان حضرت عسکری علیه السلام دیده و همراه مهدی (عج) بوده است.

۱۲) ابو عبدالله که یکی از یاوران امام عسکری علیه السلام است می گوید: به طرف باغ بنی هاشم می رفتم دیدم کودکی در آنجا بازی می کند.

امام عسکری علیه السلام

گفتم: این طفل کیست؟ گفتند: این مهدی (عج) فرزند امام  
عسکری علیه السلام است.

(۱۳) کامل بن ابراهیم می گوید: روزی از ترس والی حکومت قصد  
فرار داشتم. به منظور وداع به خانه امام عسکری علیه السلام وارد شدم  
کودکی را در کنارش دیدم. حضرت فرمودند: این جانشین و امام  
پس از من است، اطاعت از او امر او بر شما واجب است.

(۱۴) کامل می گوید: صاحب الزمان (عج) را در خانه امام  
عسکری علیه السلام دیدم در سن چهار سالگی بود و هم چون ماه می درخشید  
و مشکلاتم را قبل از سؤال پاسخ داد.

(۱۵) جعفر بن محمد و جمعی از شیعیان در خانه امام  
عسکری علیه السلام حاضر شدند تا از جانشین پس از او سؤال کنند حضرت  
عسکری علیه السلام قبل از بیان آنها به درون حجره رفت و بعد از ساعتی  
با کودکی که هم چون پاره‌ای از ماه بود بازگشت و او را معرفی نمود  
و اطاعت او را پس از خود بر همگان واجب دانست.

الطاهر المصاب

۱۶) طریف خادم می گوید: خدمت حضرت صاحب الزمان (عج) آن هنگام که کودکی در گهواره بودند رسیدم. فرمودند: آیا مرا می شناسی؟

گفتم آری. شما آقای من و فرزند آقای من هستید. فرمودند: از این نپرسیدم. گفتم: پس برای من بیان بفرمایید که مراد از شناخت شما چیست؟

فرمودند: «من آخرین وصی خدا و رسول او هستم و خداوند تبارک و تعالی به وسیله‌ی من از خاندان و شیعیان من بلاها را دفع می فرماید.»

۱۷) یکی از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام روایت می کند که دو یا سه روز بعد از تولد مهدی (عج)، نزدیک گهواره آن حضرت بودم. وقتی سلام نمودم بر او، او جواب سلام مرا داده و فرمودند: من خاتم اوصیایم که با من ولایت و وصایت ختم می شود و به وسیله‌ی من خدای تعالی بلاها را از اهل من و شیعیانم برطرف می کند.

۱۸) یکی دیگر از اصحاب آن حضرت نقل می کند: منزل امام عسکری علیه السلام حضور داشتم و با آن بزرگوار گفت و گو می کردم. به

المهدی

طرف راست امام حجره‌ای بود و بر در حجره پرده‌ای آویخته بودند. گفتم یا سیدی! صاحب امر خلافت بعد از شما کیست؟ امام فرمودند: این پرده را بردار چون پرده را برداشتم پسری حدود ۵ یا ۶ ساله بیرون آمدند، گشاده روی و سفید نورانی، چشمانش سیاه و خالی دو طرف عارض مبارکش قرار داشت. او بر زانوی مبارک ابومحمد علیه السلام نشست. امام فرمودند: مهدی (عج) صاحب امر شماست پس از من. پس از لحظه ای پسر به اشارت پدر بدرون حجره رفت. امام به من فرمودند: در این حجره نگاه کنم. من هر چه به اطراف حجره نگریستم کسی را ندیدم.

### شهادت امام ابو محمد حسن العسکری علیه السلام

تلاش‌های غیرانسانی و مذبوحانه خلفای عباسی و طرح‌ها و برنامه‌هایشان که از شگفتی‌های تاریخ است. حلقه فشار و محاصره بر ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام) را تنگ و تنگ‌تر می‌نمود متوکل خلیفه‌ی قدرت‌مند عباسی در دوست‌وسی و پنج هجری قمری فرمان داد تا امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا که مرکز خلافت خلفای عباسی بود منتقل و تحت نظر و مراقبت قرار گیرد و معتمد عباسی، فرعون‌گونه

اللهم صل على محمد و آله

علاوه بر محاصره‌ی منزل امام حسن عسکری علیه السلام در پادگان نظامی محلّه‌ی عسکر، کسانی را گاه و بیگاه به خانه علویین روانه می‌داشت تا ضمن بازرسی از آنان، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را بیابند و از بین ببرند این جستجوهای خانه به خانه برای دستیابی امام و نابود کردن او زمانی شدت گرفت که امام حسن عسکری علیه السلام در روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری در سن ۲۸ سالگی به دنبال مسمومیت ناشی از خوراندن غذای آغشته به زهر با نیرنگ و حیلّه‌ی خلیفه‌ی ستم‌گر عبّاسی، معتمد به شهادت رسید.

در این هنگام، امر دشوارتر گردید، زیرا امامت مسلمین به مهدی (عج) سپرده شده بود.

### پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

سفاکان زمان پی به وجود آن امام همام بردند، آن‌ها دانستند فرزندی که سال‌ها مراقبت نموده اند تا قدم بر عرصه‌ی وجود نگذارد، متولد گردیده است و اینک رشد یافته و قامت برافراشته تا امامت و ولایت خاندان عترت همچنان بماند و هم‌چون خورشید فراسوی دل‌های ملتهب و آشوب زده، مضطر و منتظر گردد.

مأموران جور و ستم، چون توده‌هایی رعب‌انگیز و نفرت‌بار و سیاهی پرست، همه ی خانه‌ی امام عسکری علیه السلام را جست‌وجو کردند تا مهدی علیه السلام را بیابند تا شاید بتوانند سدّ راه حکومت را از میان بردارند ...

تحت این شرایط برای بقای سلسله ولایت و امامت شیعی اهل بیت و به فرمان الهی و مقدرات برای بقای حجّت حق و سلسله رسالت، امر غیبت پیش آمد و پس از به خاک سپاری پدر بزرگوارش، وجود مبارکش از انظار عمومی مخفی گردید و مهدی (عج) وارد مرحله‌ی دیگری از زندگانی پربرکت خویش گردید.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، جعفر فرزند دیگر امام هادی علیه السلام و برادر امام حسن عسکری علیه السلام که مهیّا می‌گشت تا منصب امامت را تصاحب کند، آماده اقامه نماز بر جنازه‌ی برادر می‌شد که ناگاه کودکی با وجاهت تمام و قدم‌هایی استوار از درون سرای امام گام به بیرون نهاد و با اشاره به جعفر فرمود: **عموا! جهت اقامه نماز بر بدن**

المهدی

پدرم من شایسته ترم و ردای جعفر را گرفت و کنار زد و جعفر بی هیچ تکلم و حرفی به کناری ایستاد ...

آری در این روز مهدی علیه السلام بر همگان ظاهر شد و تشیع و تدفین و به خاک سپاری بدن مطهر پدر را انجام داد. در این روز مهدی (عج) می باید به دلایل ذیل آشکارا در بین مردم می آمدند و خود را بر همگان می نمایانند.

۱. باید امام بر بدن امام نماز گزارد برای رعایت این سنت الهی لازم بود امام مهدی (عج) ظاهر باشد و بر پیکر پدر نماز بخواند.

۲. جلوگیری از این که از سوی خلیفه، کسی بر جنازه امام نماز گذارد و مسأله‌ی امامت ختم شود و خلفای جابر عباسی وارث امامت شیعی شوند.

۳. جلوگیری از وقوع انحراف داخلی در جریان امامت، زیرا عموی او جعفر، ادعای رهبری و امامت داشت.

۴. برای این که جریان امامت ولایی حقیقی اسلام تثبیت شود و بر معتقدین به ولایت شیعی روشن گردد که امام دیگری پس از ابومحمد عسکر (عج)، حامل این وراثت عظیم معنوی و رسالت دینی

طاهر و پاک  
الطاهرین



و اسلامی و دنیایی است و او وجود یافته و خواهد بود و ادامه‌ی خطّ سرخ زعامت اسلامی و نبوت محمدی (عج) با اوست.

به دلایل فوق، کودکی خردسال در نهایت جمال و زیبایی و جاهت تمام - باشکوه و بزرگانه و با حکمت تمام - هم‌چون خورشید تابان از اندرون خانه‌ی پدر، گام به گام به سوی امت جدّش آمد و ادعای کاذبه‌ی جعفر را سلب کرده و حقایق انقلاب محمدی (عج) را به وضوح روشن ساخت.

آری! آن روز، مهدی (عج)، خویش‌تن را نشان داد و سرافرازانه بر شیعه‌ی علی (عج) امامت کرد و نماز عشق بر پیکر رهبر فقید جهان تشیع خواند و سجّاده‌ی صبر بر دامان خود گسترد. در آن روز خورشید تمام سلسله‌ی امامت درخشیدن گرفت و آن روز، روزی آفتابی شد و ماه تمام ولایت آمد تا نور نبوت الهی برای همیشه بماند.

طاهر و پاک  
امام

## امام خردسال

انتصاب وجود نازنین مهدی (عج) به رهبری و امامت پس از شهادت پدر بزرگوارش در حالی که پنج سال از سن مبارکش گذشته بود، اتفاق افتاد یک سؤال که به ذهن خواننده می‌رسد این است که چه‌طور کودک خردسالی می‌تواند به امامت جامعه اسلامی برسد؟

باید گفت امامت منصب الهی است و خداوند به بندهای از بندگانش که دارای شرایط امامت و جامع ویژگی‌های آن باشد، عطا می‌فرماید و خداوند جل و جلاله قادر است در وجود یک طفل نیز مقام امامت و رسالت را به ودیعه گذارد.

زعامت و پیشوایی در خردسالی پدیده‌ایست که دو تن از ائمه‌ی بزرگوار (امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در سنین هفت و هشت سالگی منصوب گردیدند و امام عسکری علیه السلام در سن بیست سالگی به امامت رسیدند، اما پدیده امامت در کودکی در وجود مبارک و نازنین مهدی (عج) به اوج خود رسید و در این خصیصه همتای مسیح، عیسی بن مریم علیه السلام است. عیسی بن مریم علیه السلام نیز در حالی که در

گهواره و شیرخواره بود به پیامبری مبعوث گردید و «کتاب» و «نبوت» به او داده شد «قَالَ اِنِّي عَبْدُ اللَّهِ اَتَانِي الْكِتَابُ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مَبْرُكًا اَيْنَمَا كُنْتُ وَ اَوْصَنِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَ اَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»<sup>۱۰</sup> و یحیای پیامبر هم در کودکی مبعوث به امر رسالت گردید.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «صاحب امر و حجت خداوند، امامی است که موقع نیل به مقام امامت، سن او از همه‌ی ما کم‌تر است و نام او مخفی خواهد بود.»

این حدیث علاوه بر موضوع خردسالی در امر ولایت صاحب الزمان (عج)، موضوع غیبت و اختفای او را نیز بیان می کند.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: «به درستی که فرزندان انبیاء و اوصیاء، آنگاه که حجت خداوند باشند رشدشان غیر از رشد دیگران است. ملائکه آنها را اطاعت می کنند و در بامداد و شامگاه بر آنها نازل می شوند هر چند کوچک و خردسال باشند و مهدی (عج) بر همین منوال و روش خواهد بود.»



## فلسفه‌ی غیبت

اصول و دستورات اساسی اسلام و احکام سیاسی و اجتماعی و دینی و اقتصادی و فرهنگی و سایر موارد آن در مدّت رسالت نبی اسلام ﷺ و طی مدّت سال‌های امامت امامان معصوم (علیهم السّلام) تا سال ۲۶۰ هجری قمری تبیین گردید و به مرحله‌ی تدوین رسید و امام معصوم در هر دوره علی رغم فشار و جو ضدّ مذهبی طاغوتیان و مخالفت مخالفان خاندان وحی، از کوچک‌ترین فرصت‌ها و لحظه‌ها استفاده نموده و مسایل اسلامی را در ابعاد گوناگون تبیین می‌فرمودند. احکام اسلام آن‌چنان عرضه گردیده که قدرت و توانایی طرح همه‌جانبه و تشکیل یک حکومت بزرگ فراگیر را داراست و در این زمینه شکی نیست. از سوی، حکومت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ و امیرالمومنین ﷺ، نمودارهای شکل یافته آن است تا جلوه‌های آن را مردم ببینند و از غیر آن اعراض و دوری کنند. بنابراین تا عصر حضرت مهدی (عج) زمینه حکومت و امر فراگیر آن از سوی خداوند کاملاً مهیا شده بود.

امام مهدی

عجل الله تعالی و فرجه

احکام و قانون اسلامی و نمونه عملی عدالت گسترده اسلامی نیز نمایان بود، ولی از سوی مردم جهان برای تحقق و تداوم این حکومت واحد، آمادگی لازم وجود نداشت. در صورتی که مردم آمادگی پذیرش این چنین حکومت و عدالت گسترده‌ای را داشتند، امام وقت غایب نمی‌گردید و غیبت اتفاق نمی‌افتاد بلکه بر برقراری و نشر حکومت فراگیر صحیح اسلامی و اجرای قوانین شرع در جامعه‌ی آن روز مسلمین می‌پرداختند پس ممکن است پرده غیبت و ادامه این مسأله تا به امروز این مورد فوق باشد، البته ما به همه‌ی اسرار غیبت واقف نیستیم و مصلحت هم نیست آگاهی یابیم و حکمت الهی و فلسفه غیبت کشف نمی‌گردد مگر بعد از ظهور امام عصر (عج). اما ممکن است رمز مهم و اساسی غیبت همین نکته باشد و سرپیچی و طغیان جوامع در طول امامت یازده معصوم (علیهم السلام) به تجربه رسید - و عدم حمایت مردم از آنان در این مدت کاملاً روشن است و ابهامی باقی نمی‌گذارد که مردم نمی‌خواهند، زیر بار حکومت عدل اسلامی بروند، در چنین وضعیتی غیبت یک مسأله‌ی طبیعی است و صبح صادق امامت وقتی به طلوع خواهد نشست که جامعه هم‌چون

الطاهر المصاب

گذشته از حکومت صحیح اسلامی توسط امامت و ولایت معصوم روی برنتابد و از هر جهت پذیرای حکومت واحد ولایی گردند و خود خواهان حکومت عادل‌ه‌ی اسلامی گردند زمانی که اسباب غیبت زایل گردد ظهور فرا می‌رسد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوهُمَ بِأَنفُسِهِمْ»

این رمز تا هنگامه‌ی ظهور، پنهان است و در آن وقت جهانیان خواهند دانست که علت غیبت در وجودشان نهفته بوده است و خود از آن غافل بوده‌اند و چنان‌چه پیش از این خود را آن‌گونه می‌ساختند که نص صریح اسلامی و قرآنی بر آن تکیه داشت، ظهور ممکن می‌شد و امام میان امت می‌بود.

طاهر بن محمد  
المطهری

## عوامل اساسی غیبت

در این جا به چند مورد از عوامل دخیل در وقوع پدیده غیبت می پردازیم:

(لکن هرگز نمی توان از مجموعه ی این عوامل، به تصویری روشن و قطعی از حکمت غیبت آن بزرگوار دست یافت.)

۱- باز شناخت مؤمنین حقیقی از مسلمانان دو رو و منافق. این مرحله ی امتحان افراد در دریای متلاطم و طویل غیبت می باشد. امام باقر علیه السلام می فرماید: فرج و ظهور فرزندی از ما پیش نخواهد آمد تا این که غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا این که ناخالص برود و سره از ناسره باز شناخته شود. هر آینه آنان منتظران واقعی خواهند بود و آن موقع ظهور فرا می رسد.

۲- خودداری آن امام آزاده از بیعت با طاغوت، بنابر روایات تنها امام معصوم شیعه که هیچ بیعتی بر گردنش نیست. امام عصر (عج) می باشد و چون او، حجت بالغه و قائم به سیف است برای زدودن آثار کفر و شرک از روی زمین، حکمت اقتضا می کند که

کسی را بر او بیعتی نباشد. معصوم علیه السلام می فرماید: «سبب آن است که هنگامی خروج می کند احدی را در گردن او بیعتی نباشد.»

۳- مهدی (عج) آخرین وصی رسول خدا و حجّت اوست و باید که باقی بماند و به سبب خوف از تلف جان خود و ترس آسیب از دشمنان، از آن جایی که حکومت‌های ظالمانه‌ی وقت، مرگ و انقراض و نابودی خود را در دستان پر قدرت مهدی (عج) احساس می کردند در صدد از بین بردن او برآمدند؛ لذا جان مهدی (عج) تهدید شد. به همین منظور برای حفاظت از او، غیبت تحقق یافت تا خلفای ستم‌گر که تفکر نابودی او را در سر داشتند، ناکام بمانند. و چون در مقابله‌ی آشکار، بیم کشته شدن وجود دارد، پنهان ماندن امام ضروری خواهد بود، آن‌چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله یک بار در شعب ابی طالب و یک بار در غار ثور از خوف دشمنان پنهان شد.

الحمد لله  
والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد  
والآله الطيبين  
الطاهرين



۴- در روایات آمده است که واقع می‌شود بر امت اسلامی از آنچه که در امت‌های قبل اتفاق افتاده و یکی از واقعیات امت‌های قبل غیبت بود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «سبب غیبت او آن است که خدای عزوجل ابا فرموده است، مگر آن که جاری سازد در او، سنت پیغمبران را از غیبت‌های ایشان»

خداوند در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «لَتَرْكُنَّ طَبَقاً عَنُّ

طَبَقٍ» یعنی باید جاری شود در شما سنت‌های امت‌های پیشین.

۵- مورد دیگر این که زمان دولت‌های باطل بگذرد تا کسی فکر

نکند که اگر من حاکم و خلیفه بودم، هر آینه عدالت و احسان را به

معنی واقعی کلمه اجرا می‌نمودم برای همین منظور دولت اسلامی

مهدی (عج) آخر حکومت‌هاست و اتصال به قیامت دارد. امام

صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ظهور به تحقق نمی‌رسد تا این که گروهی

نماند مگر بر مردم حکومت کرده باشد، آن گاه قائم به حق و عدل قیام می کند.» متذکر می شود که هیچ کس را یارای تبیین و اجرای حاکمیت قطعی عدالت و احقاق حقوق نیست مگر همان حکومت کریمه‌ی مهدی موعود (عج).

۶- وقت ظهور نخواهد رسید تا آن که امانت‌های خدا از صلب کفار به عرصه‌ی وجود آیند. آن گاه او خواهد آمد، تا جهان را از شرک و کفر پاک نماید.

یادآور می شود منظور از امانت‌های خداوند طبق فرمایش امام

صادق علیه السلام

« فرزندان و اولاد مومنی است که از پدران کافر متولد

می شوند» می باشد.

## غیبت در منظر قرآن

تعدادی از آیات قرآن، بر اساس احادیث معصومین «علیهم السلام» به امر غیبت و ظهور دلالت دارد.

« قَتَلَ إِنَّمَا الْغَيْبِ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا أَنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ »

پس بگو غیبت را فقط خدا می‌داند، پس منتظر باشید. من نیز با شما انتظار خواهم کشید. با توجه به این امر که غیبت امام عصر از دید انسان پنهان است. اعتقاد به آن ایمان به غیب است.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: « منظور از غیب در این آیه

حجّت قائم ماست که از نظرها پنهان است. »

« حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَضَعُ ناصِرًا وَّ أَقْلًا

عدداً ... » تا آن زمانی که ببینند وعده‌ی ما را خواهند دانست

مردمان که چه کسی یاورش ضعیف‌تر و در شماره‌ی اندک و ناتوانی

قرار دارد (سوره یس آیه ۲۴): که دلالت بر آمدن و ظهور

مهدی (عج) است. مقصود از وعده در « ما یوعدون » ، قائم آل

محمد صلی الله علیه و آله و رجعت ائمه (علیهم السلام) می‌باشد و ضعیف و ناتوان قوم

ظالم و ستم‌گران و دشمنان اهل بیت می‌باشند.

الطَّائِفِينَ  
الَّذِينَ حَمَلُوا الصَّلَاجَ  
وَالْمُرْتَدِّينَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ  
إِيمَانِهِمْ  
وَالشَّارِكِينَ

## غیبت از منظر بزرگان

غیبت یک واقعیت مسلم دینی است که از قبل توسط نبی مکرم اسلام ﷺ و امامان معصوم (علیهم السلام) یادآوری شده است. پیامبر عزیز اسلام می‌فرمایند:

«قسم به خدایی که مرا رسالت بخشید، قائم فرزندانم طبق امر الهی در پرده‌ی غیبت، مستور خواهد گردید؛ آن‌طور که اکثر مردم خواهند گفت: «خدا به آل محمد نیازی ندارد و عده‌ای در اصل تولد آن فرزند ما، شک و تردید دارند.»

علی علیه السلام می‌فرمایند: «زمانی خواهد آمد که نادانان امت ما می‌گویند خدا به آل محمد احتیاجی ندارد.»

امام حسین علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند:

«قائم هذه الامه هو السابع من ولدی و صاحب الغیبه و هو الذی یقسم میراثه و هو حی»

«مهدی نهمین فرزند من و قائم امت است. او صاحب غیبت است و کسی است که در حال حیاتش میراث او را قسمت می‌کنند.»

حسین علیه السلام می فرمایند: «در آن ایام، گروه‌هایی از امت ما، از دین خارج می‌شوند (برمی‌گردند)، ولی هستند کسانی که ثابت قدم منتظر می‌مانند.»

امام حسین علیه السلام می فرمایند: «خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می‌آورد و او از ستم‌گران انتقام می‌گیرد.»

امام عسکری علیه السلام می فرمایند: «پسر مهدی (عج)، اوست امام و حجّت بعد از من هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند و وقت گزاران در آن دروغ‌گویان‌اند. سپس خارج شود گویا من می‌بینم آن پرچم‌های سفیدی که در نجف و کوفه بالای سرش در اهتزاز است.

ابومحمد حسن عسکری علیه السلام در حدیث دیگری روایتی دارند که: «پسر من بعد از من، قائم به حق است. درباره‌ی او سنت‌های پیامبران از عمر طولانی و غیبت تحقق می‌یابد، غیبت او به قدری طولانی می‌شود که دل‌ها را قساوت می‌گیرد و بر بیش‌تر معتقدین

طاهر و پاکیزه

ایمانی نمی ماند، مگر آنان که خداوند از آنها برای ولایت ما پیمان گرفته است»

امام صادق علیه السلام می فرمایند: به ناچار صاحب امر ولایت پنهان می شود از دیدگان و در غیبت گوشه گیری کنند. چه خوب منزلی است مدینه گویا آن حضرت در ایام غیبت غالباً در مدینه و اطراف آن باشد - وحشتی نیست یعنی آن امام همراه ۲۹ تا ۳۰ نفر از موالیان خود می باشد و این عده هر چند گوشه گیرند، ولی وحشت و ترسی ندارند.

مطالعه ی تاریخ، این نکته را روشن می سازد که بعد از امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام ائمه (علیهم السلام) به طور عموم برای همگان ظاهر نمی شدند و فقط خواص و افراد قلیل صحابه می توانستند به محضر آن بزرگواران شرفیاب شوند، تا آن جا که حتی پاسخ به سؤالات و سایر امور مردم در بسیاری موارد از پشت پرده و حجاب انجام می شد و اعمال این چنینی مقدمه ای بود برای غیبت صاحب امر و زمان (عج) که شیعه به آن انس گیرد و هر چه زمان به جلو می رفت و غیبت نزدیک تر می شد، استتار ائمه (علیهم السلام) بیش تر و بیش تر

امام رضا علیه السلام

می‌شد. حتی جهت عادت به آن وعده‌ی بزرگ (غیبت) امام عسکری (عج) برای برخی امور مهم و حساس ظاهر نمی‌شدند و بدین وسیله مسلمانان را برای غیبت امام عصر (عج) آموزش می‌دادند؛ تا این‌که موعود زمان متولد گردید و از همان لحظات بعد از تولد تا زمان وقوع غیبت صغری، رویه‌ی استتار و عدم حضور در اجتماع مسلمین ادامه یافت، البته گاهی افرادی قبل از غیبت به محضر امام زمان می‌رسیدند.

### غیبت صغری

از ربیع الاول ۲۶۰ هجری قمری که مصادف بود با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و هم‌چنین روزی که حضرت مهدی (عج) عهده‌دار امر ولایت و امامت بعد از پدر گردیدند، آغاز گردید و تا سال ۳۲۹ هجری قمری ادامه یافت. این دوره از جهتی، غیبتی کامل نبود و شاع و دامنه‌ی آن محدود به دوره‌ی شصت‌ونه ساله‌ای بود که گرچه امام از انظار پنهان بود، اما کسانی واسطه‌ی ارتباط شیعه با امام بودند و آن حضرت به وسیله‌ی آنان مسایل و مشکلات مردم را حل و برطرف و سؤالات افراد را جواب می‌فرمودند. این افراد که نواب

اللهم صل علی محمد و آل محمد

اربعه یا نواب خاص نامیده می‌شوند، از علما و بزرگان شیعه بودند که توسط شخص امام برای این مهم منصوب و انتخاب می‌گردیدند:

(۱) عثمان بن سعید عمروی: او که از یاران و اصحاب مورد اعتماد امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود، در سایه‌سار امامت رشد یافته و شاگرد مکتب تشیع بود، بعد از جریان غیبت به این منصب منتخب گردید.

(۲) محمد بن عثمان عمروی: فرزند سفیر اول امام عصر (عج) است. او بیش از چهل سال امر نیابت را عهده‌دار بود و منشأ خدمات فراوان به شیعه بوده است.

(۳) حسین بن روح نوبختی: شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سومین نایب خاصه‌ی حضرت مهدی (عج) است و جزء اکابر و بزرگان شیعه بوده است.

(۴) ابی الحسن علی بن محمد سمّری: چهارمین و آخرین واسطه‌ی میان شیعه و امام عصر (عج) است، وی نیز از بزرگان و اکابر دوران و آشنا به علوم معرفتی و دینی بوده است.



در آخرین روزهای عمر توقیعی را از ناحیه‌ی مقدّسه به مردم نشان داد که بدین مضمون بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«ای علی بن محمد السّمّری! خداوند پاداش برادرانت را در مصیبت تو بزرگ گرداند. تو در ظرف شش روز دنیا را ترک خواهی نمود. به کارهایت رسیدگی نما و کسی را پس از خود جانشین قرار مده، زیرا غیبت تامه آغاز گردیده و ظهوری جز به اذن پروردگار نخواهد بود، و آن پس از طول مدت دراز و سخت شدن دل‌ها و قساوت قلوب و پر شدن زمین از ستم خواهد بود. از شیعیان من کسانی پس از این دعوی دیدار مرا خواهند نمود. بدانید که قبل از خروج سفیانی و وقوع صیحه‌ی آسمانی هر کس دعوی دیدار مرا نماید دروغ گفته و نسبت به ما افترا بسته و بهتان زده است.»

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

واضح و مبرهن است که توقیع مبارک، درصدد بیان نفی امکان رؤیت آن حضرت در زمان غیبت کبری نیست، بلکه توقیع شریفه‌ی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی و فرجه الشریفه) برای جلوگیری از

الطاهر المصاب

بدعت‌ها و اکاذیب مدعیان نیابت خاصه و مدعیان دروغین وابستگی خاصه به آن امام مانند اقطاب مدعیان مهدویت و ... از ناحیه‌ی مقدسه صادر گردیده است. ۱۲.

با رحلت علی بن محمد السمری در سال ۳۲۹ دوران غیبت صغری به پایان رسید و امام وارد مرحله‌ی دیگری از غیبت گردیدند.

### غیبت کبری

در واقع غیبت صغری مقدمه و زمینه‌ساز غیبت کبری بود. اگر غیبت طولانی کبری به یک‌باره و سریع روی می‌نمود، ذهن‌ها آماده‌ی پذیرش این مسأله نبود و موجب انحراف افکار و تشویش اذهان می‌گردید و شاید حتی موجب انکار آن می‌شد. اما به تدریج در طول غیبت صغری به واسطه‌ی ارتباط جامعه با امام توسط نواب اربعه و همچنین شرفیابی گروهی از شیعیان به حضور امام در آن دوره، مسأله‌ی ولادت و حیات آن بزرگوار و همچنین وقوع غیبت در قلوب افراد تثبیت گردید و جای شک و شبهه در مسلمانان از میان رفت.

غیبت صغری، غیبتی است آرام‌تر از غیبت کبری و فصلی کوتاه جهت آمادگی و پذیرش غیبت کامل و سخت کبری طی مدتی کوتاه‌تر از آن تا پیروان اسلام و به خصوص شیعه بر ایمان و اعتقاد خویش ثابت قدم بمانند و به دین الهی و ریسمان محکم خداوندی جنگ زنند و به خودسازی درون پردازند تا مقدمه‌ی نجات و رستگاری مهیا شود و غیبت کبری که عمیق‌تر از غیبت صغری بود، در برهه‌ای از زمان اتفاق افتاد که قلوب جهت برقراری حکومت کریمه‌ی مهدی سازگار نبود و پیروان اسلام محتاج یک انقلاب برای خودسازی از درون و برون خود بودند.

طاهر و پاک  
الطاهرین

در دوره‌ی غیبت کبری که از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع گردیده است، ارتباط مردم با امام از طریق نواب خاص قطع گردید و رابطه با امام و رهبر زمانه به محدودیت کشیده شد. در این شرایط ارتباط بر حسب آمادگی و لیاقت افراد و اراده‌ی ولی عصر (عج) و از طریق دل و جان انجام می‌گیرد. دیدار قلبی شبیه دیدن و تشریف به حضور ایشان در عوالم روحی و رؤیا می‌باشد.

در غیبت کبری علمای شیعه به عنوان نواب عام حضرت ولی عصر (عج) شناخته می‌شوند و مسئولیت دفاع از اسلام و مسلمین و اجرای احکام و حدود الهی و رهبری کلیه امور اجتماعی و اقتصادی مسلمین به عهده آنان «ولایت فقیه» گذاشته شده است. ۱۳.

حضرت امام مهدی (عج) در رابطه با نواب عام می‌فرمایند:  
 «اما حوادث واقعه را که نمی‌دانید - رجوع نمایید به راویان احادیث ما اهل بیت و فقهای دین که آنها حجّت بر شما و ما حجّت خدا برای‌شان هستیم.»

در عصر غیبت کبری توفیعاتی (نامه‌هایی) خطاب به بعضی مفاخر و بزرگان شیعه هم‌چون شیخ مفید و سید ابوالحسن اصفهانی و... به واسطه‌ی یکی از شیعیان مخصوص خود صادر فرموده‌اند.

امروز در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که ادامه‌ی غیبت کبری جریان دارد و از آرزوهای قلبی هر یک از ما این است که امام زمان (عج) را درک کنیم و برای لحظه‌ای کوتاه حتی لیاقت زیارت او



را بیابیم و دستان پر عطوفت و مهربان آن حضرت را بر سر خویش احساس کنیم و شامل عنایت ویژه حضرتش شویم.

### خورشید امامت

خورشید دارای دو درخشش آشکار (مستقیم) و پنهان (غیرمستقیم) است در نورافشانی مستقیم و آشکار، نور و انرژی گرما مستقیماً و بدون واسطه به عالم و موجودات می‌رسد، ولی در نورافشانی پنهان و غیرمستقیم ابرها هم‌چون شیشه‌ی مات انوار آشکار خورشید را از خود عبور می‌دهند و به زمین و موجودات می‌رسانند. وجود خورشید و درخشش آن در پشت ابرهای تیره با نبودن خورشید تفاوت دارد. اگر خورشید نباشد تیرگی و تاریکی همه را در بر می‌گیرد و ویرانی و نابودی هستی را به دنبال خواهد داشت، اما با وجود خورشید در پس ابرهای تیره، فواید درخشش و تلالو و گرمای آن به موجودات و زمین خواهد رسید.

امامان معصوم (علیهم السلام) امان اهل زمین و واسطه‌ی فیض و برکات برای مردمانند. حال، امام به ظاهر حاضر باشد یا پنهان فرقی در این زمینه نمی‌کند. امام در افقی ایستاده است که دست‌ها به او

نمی‌رسد و دیده‌ها او را نمی‌بینند. اما او شاهد بر رفتارها و نظاره‌گر اعمال افراد اجتماع می‌باشد.

مهدی (عج) نقطه‌ی اوجی است که بر تارک زمان چون خورشید فروزان می‌درخشد و روشنایی می‌بخشد و بهره‌مند می‌سازد.

پیامبر مکرم اسلام ﷺ می‌فرمایند: «آری، به خدایی که مرا مبعوث گردانیده است، آن‌ها از وجودش بهره‌مند می‌گردند و از نور ولایتش منتفع می‌شوند هم‌چنان که از خورشید پشت ابر استفاده می‌برند.»

قائم آل محمد ﷺ می‌فرمایند: «بدان سان که از خورشید در پشت ابرهای تیره و وحشت‌زا استفاده می‌کنند، از وجود امام نیز در غیبت بهره‌ها خواهند برد و همانا که من اسباب آسایش و امنیت مردم روی زمین هستم هم‌چون ستارگان که امان اهل آسمانند.»

در غیبت، شیعه و محب حضرت باید همواره انتظار وجود مبارک قائم را داشته باشد و همین امید به انتظار است که آینده‌ی موفق آنان را رقم خواهد زد. امید به انتظار، مثل افرادی است که انتظار بیرون آمدن خورشید را می‌کشند تا بیش‌تر و بهتر از خورشید



بهره گیرند. امید به انتظار، صبر و شجاعت، شهامت و ایثاری بی نظیر و زیبا به انسان می بخشد و آن کسی که با این همه آثار، باز هم منکر وجود مبارک امام شود هم چون کسی است که در صدد انکار خورشید برآید، آن زمانی که خورشید پشت ابرهای تیره از نظرها پنهان باشد. با وجود این که انسان از تابش خورشید در روزهای ابری بهره مند می شود ولی هر لحظه انتظار زمانی را دارد که لکه های ابر به سویی روند و اشعه های طلائی رنگ خورشید تابیدن گیرد تا استفاده و بهره مندی از نور و گرمای آن بیشتر و بیشتر احساس شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند میان مهدی و مردم حجاب و پرده قرار می دهد که [مردم] او را می بینند و نمی شناسند و او به هدایت رسول خدا، محمد صلی الله علیه و آله هدایت می کند و به سیره اش رفتار می کند.

در زمان غیبت نیز آن حضرت چون خورشید پنهان در پشت لکه های ابر از انظار مخفی است، اما:

۱- نشانه ها و آثار درخشش وجودش برای اهل دل روشن است.

اللهم صل على محمد و آل محمد

۲- انسان‌ها و حتی آفاق از وجود گران‌بهای ایشان بهره‌مند می‌شوند.

۳- هر لحظه و دم به دم باید منتظر فرا رسیدن فرج حضرت باشیم و خود را مهیای یاری او گردانیم.

علامه‌ی مجلسی در کتاب بحارالانوار تشبیهات زیبایی از امام عصر در دوران غیبت با خورشید پنهان به دست می‌دهند:

« وساطت امام در رسانیدن فیض وجود، حقیقت نورانی و

غیرقابل انکار امام ولو در ورای غیبت، ناتوانی مردم نسبت به تحمل

تمامی پرتوهای خورشیدی، عجز چشم از نگرش بدون محافظ به

قرص نورانی خورشید، تلالو خورشید در آن سوی و برای چیزهای

دیگر هرچند که در این سو رخ به ابر تیره پوشیده باشد، بی‌بهره

ماندن از خورشید برای بی‌بهرگان از بینایی، رابطه‌ی آمادگی و

استعداد و ظرفیت وجودی به میزان بهره‌وری از اشعه‌های

خورشیدی»

شیعه مخلص مهدی (عج) و منتظر قیام قائم نیز با وجود

بهره‌مندی از وجود امام عصر (عج) در زمان غیبت، هر دم و در هر



لحظه منتظر عصر ظهور به سر می‌برد و به انتظار روزهایی است که او مانند خورشید درخشان از پس پرده‌ی غیبت به در آید و جهانی را بر از عدالت گرداند.

### نوید همه‌ی ادیان

تمامی ادیان آسمانی، پیروان خود را به آینده‌ای درخشان نوید داده‌اند. آینده‌ای درخشان که در آن مردی الهی و آسمانی ظهور خواهد نمود و سعادت عمومی و صلح جهانی و خیر و برکت را برای همگان به ارمغان خواهد آورد. می‌توان گفت بعد از اعتقاد به خدا و نبوت و معاد آنچه همه‌ی ادیان در آن حرف مشترک دارند همین مسأله است؛ یعنی اعتقاد به منجی، بخشی از باورهای اساسی ادیان است.

پیروان ادیان، چشم به راه مصلح بزرگ بشریت هستند. شخصیتی که شالوده و اساس حکومت خود را بر اصل عدالت و تکریم و آزادی انسانیت بر پا خواهد داشت.

به عقیده‌ی مسلمانان، مصلح در آخرالزمان - مهدی منتظر است و طبق عقیده‌ی شیعه مهدی (عج)، قائم آل محمد و فرزند حضرت

امام حسن عسکری (عج) است که در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء قدم بر عرصه‌ی وجود گذاشت و پس از ارتحال پدر بزرگوارش به مقام امامت منصوب گردید و در آن ایام با توجه به شرایط زمانی و مکانی و ... روی در پرده غیبت کشید و پس از پایان مهلت غیبت صغری، بار دیگر این دست نیرومند الهی در آستین غیبت دیگری فرو رفت تا روزی دیگر نقاب از پرده‌ی غیبت برکشد و با دستان توانایش پرچم توحید و عدالت را بر سراج‌هی هستی به اهتزاز درآورد.

هم‌اکنون ۱۱۷۳ سال تمام از عمر آن امام می‌گذرد و غیبت کبری نیز هم‌چنان ادامه دارد و جز ذات اقدس الهی کسی از وقت معلوم و لحظه‌ی ظهور آگاه نیست و فقط خداوند واقف بر امور غیبی بندگان خواهد بود.

### معرفت بر طول عمر امام

امروزه یکی از معارف مربوط به وجود مهدی (عج) طول عمر اوست که چه‌گونه یک انسان سالیان متمادی به زندگی ادامه می‌دهد؟

طبق اعتقاد ما، مهدی (عج) زنده است و به حیات خود ادامه می‌دهد. حال چه‌گونه امکان دارد کسی بتواند چندصد سال و حتی بیش‌تر در دنیای طبیعت زندگی کند. بر اساس تحقیقات علمی دانش‌مندان و از نظر منطقی، در ارتقای تدریجی عمر، محدودیتی برای زندگی انسان و میزان عمر او نیست و در میزان عمر و زندگی افراد، حدّی که تجاوز از آن محال باشد تعیین نشده است و تحت شرایط مناسب و فراهم بودن اسباب طول عمر (ارث، محیط، شغل و کار و کوشش و کیفیت تغذیه، بهداشت جسم و روان و ...) انسان می‌تواند بر میزان عمر خود بیافزاید و با رعایت آن اصول بیش‌تر از آن‌چه انتظار می‌رود و تصوّر می‌شود زندگی کند و این موفقیت در سایه‌ی تدابیر عاقلانه و هوش‌مندی در بهینه‌سازی کمیّت و کیفیت زندگی انسان است. از اصول علمی مورد پذیرش همه‌ی دانش‌مندان بیولوژیست این است که برای عمر انسان نمی‌توان حدّی قائل بود و حتی دیرزیستی انسان نیز مسأله‌ای قابل امکان خواهد بود.

زیست‌شناسان معتقدند: مرگ لازمه‌ی قوانین طبیعی نیست؛ چون در طبیعت از عمر یک لحظه‌ای گرفته تا عمر ابدی همه نوع آن وجود دارد.

در دوران مختلف کسانی دارای عمری طولانی مدت بودند، در میان پیامبران الهی حضرت آدم و حضرت حوا عمری طولانی داشته‌اند، هم‌چنین پیامبران: ادریس، الیاس، خضر و عیسی علیهم السلام بر اساس اعتقادات مذهبی، هنوز زنده هستند و باز روزی رجعت خواهند نمود. حضرت نوح نیز عمری بلند داشته است. قرآن کریم در ضمن آیه‌ای اشاره می‌کند که:

«ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و نهصد و پنجاه سال در بین آنان درنگ نمود.»

«در تاریخ فقط دو تن مأمور پاک‌سازی تمدن انسان از مایه‌های تباهی و فساد شدند و هر دو عمری چند برابر عمرهای معمولی ما داشته‌اند: یکی نوح پیامبر است و دیگری که نقش خود را در آینده‌ی بشریت، ایفا می‌کند حضرت مهدی (عج) است.»

لوط پیامبر، ۷۳۰ سال زندگی کرد و عاد پیامبر، ۱۲۰۰ سال، متوشالح پیامبر، ۹۶۰ سال در تورات آمده است که «ذوالقرنین» سه هزار سال عمر کرد.

عمر بن عامر، ۸۰۰ سال و حضرت ابراهیم علیه السلام ۱۹۵ سال و شیث پیامبر، ۹۱۲ سال در دنیا زیسته‌اند. طبق عقیده‌ی اهل سنت حضرت الیاس علیه السلام نیز هنوز زنده است. ۱۴

با گذری کوتاه در کتب تاریخی به نمونه‌های دیگری از این قبیل برخورداریم خورد و در میان مردم عامه در اجتماعات مختلف نیز به افرادی برمی‌خوریم که از سن نسبتاً بالایی برخوردارند و طول عمر خود را نیز مدیون سلامتی تن و روان و استفاده‌ی بهینه از مواهب طبیعی عنوان می‌کنند.

### اشاره آیات نور بر طول عمر

۱- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» ۱۵

المهدی

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و ۹۵۰ سال در بین آنان درنگ کرد پس توفان قومش را فرو گرفت، در حالی که از ستم کاران بودند.

۲- درباره حضرت یونس قرآن می‌فرماید:

« اگر او (یونس علیه السلام) در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز آن‌جا می‌ماند.»

یادآور می‌شود که عمری بسیار طولانی (از زمان حضرت یونس علیه السلام تا رستاخیز) برای انسان و ماهی در منظر قرآن قابل امکان خواهد بود. ۱۶

۳- «ما آنها و پدران‌شان را از متاع دنیوی برخوردار ساختیم تا از عمری طولانی بهره‌مند شدند.»

که باز خبر از عمری طولانی در امت‌های پیش است. ۱۷

۴- در مورد عیسی بن مریم قرآن می‌فرماید: «... هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه امر بر آنان مشتبه شد. آنها که درباره‌ی او اختلاف کردند در شک و تردید هستند. به علم و یقین نرسیده‌اند - از ظن و گمان پیروی می‌کنند. به یقین او را نکشتند،

بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند توانا و دانا و فرزانه است» ۱۸

و عقیده‌ی ما این است که عیسی علیه السلام زنده است و به هنگام ظهور مهدی (عج)، او نیز نازل خواهد شد و جزو یاوران حضرت ولی عصر (عج) خواهد بود.

۵- و اگر خداوند اراده‌ی کاری کند بر انجام آن تواناست و هر هنگام که لازم باشد به مصداق آیه‌ی «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ لَنْ يَكُونُ» ۱۹ به فرمان «باش» هر چه که بخواهد می‌آفریند با هر شکل و هیئت و ویژگی و قابلیت که اراده کند، حتی اگر این ویژگی با قواعد و قوانین معمول طبیعت هماهنگی نداشته باشد و به صورت پدیده‌ای خارق‌العاده جلوه‌گر شود.

### طول عمر امام عصر در حدیث بزرگان دین

امام صادق علیه السلام در انتهای حدیثی مفصل تأکید می‌کند که عمر حضرت مهدی (عج) آن مقدار طولانی خواهد شد تا کسانی که در عقاید خود ضعیف باشند مرتد و کافر می‌گردند ... در ادامه می‌فرمایند: «در علم خدا مقدر بود که قائم آل محمد علیهم السلام عمر بسیار

الطاهر المصاب

طولانی داشته باشد. چون خدا می‌دانست بسیاری از مردم در زمان غیبت از عمر طویل صاحب الزمان (عج) به تردید خواهند افتاد. به بنده‌ی صالح خود «خضر» نیز زندگانی درازمدت عطا فرمود و راز این عمر بلند صرفاً برای این است که مؤمنان بتوانند به استناد عمر طویل خضر به عمر طولانی قائم ما، استدلال کنند تا حجّت بر دشمنان تمام شود و کسی را بر خدای تعالی عذری نباشد.

در تورات نیز از صعود ایلیا (ایلیاس) به آسمان‌ها گفت‌وگو شده است و در آخرین فراز تورات از نزول ایلیا پیش از قیامت بحث شده است که می‌توان آن را به زمان ظهور مهدی (عج) منطبق دانست.

و سخن آخر این که از نظر علمی، فقهی، فلسفی و همچنین قرآنی عمر طولانی نه تنها ممکن است، بلکه در پاره‌ای از روایات سخن از عمر جاوید به میان آمده است و هر کس به اخبار و احادیث وارده در خصوص ولیعصر (عج) از پیغمبر ﷺ و ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) مراجعه کند، خواهد دید که نوع زندگی آن حضرت را خرق عادت بیان می‌دارند و باید بدانیم که خرق عادت غیر از محال است و نمی‌توان از راه علم و عقل خرق عادت را نفی کرد. زیرا نمی‌توانیم

طائور  
مهدی



ادعا کنیم که وسایل و اسباب و عواملی که در جهان عمل می کنند، تنها همان‌هایی است که ما خود دیده‌ایم یا می‌شناسیم و ابزاری را که ندیده یا نمی‌شناسیم، وجود ندارند.

با آنچه ذکر شد جای تردید باقی نخواهد ماند که طول عمر امام عصر نه تنها ممکن است، بلکه از زمان (عج) غیبت تاکنون جریان داشته و تا «زمان معلوم» توسط خداوند رحمان و رحیم جریان خواهد داشت.

### موعود (عج) در معراج

اصلی‌ترین مشاهده‌ی پیامبر اعظم اکرم ﷺ در شب معراج را باید شهود انوار مقدّسه‌ی ائمه (علیهم السلام) بدانیم که اصحاب متعدّدی روایت ذیل یا مشابه آن را از آن حضرت نقل کرده‌اند و همان‌طور که خواهیم دید در میان دوازده امام، حضرت مهدی (عج) جایگاهی ویژه و متمایز دارند. ضمن این روایت نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

همانا خدای عزوجل در آن شب که به گردش شبانه برده شدم (معراج) به من وحی فرمود: ای محمد چه کسی را در زمین

الطاهرین  
الطاهرات

میان امتت به جای خود گذاشتی؟... در حالی که خدا خود بدان آگاه‌تر بود - عرض کردم: پروردگارا، برادرم را. فرمود: ای محمد، علی ابن ابی طالب را؟ عرض کردم: بلی ای خدای من. فرمود: ای محمد من ابتدا از مقام ربوبیت نظری بر زمین افکندم و تو را از آن اختیار کردم.

هیچ گاه یادی از من نمی‌شود مگر این که تو نیز با من یاد کرده شوی. من خود محمودم و تو محمد؛ سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم، پس تو سرور پیامبران و علی از نام‌های من است و «علی» (مشتق آن) نام اوست. ای محمد، من، علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان را از یک نور آفریدم؛ سپس ولایت ایشان را بر فرشتگان عرضه داشتم، هر که آن را پذیرفت از مقربین گردید و هر که آن را رد نمود به کافران پیوست.

ای محمد، اگر بنده‌ای از بندگانم مرا چندان پرستش کند تا رشته‌ی حیاتش از هم بگسلد و پس از آن در حالی که منکر ولایت آنان است با من روبه‌رو شود، او را در آتش دوزخ خواهم افکند؛

طاهر و مجتبی

سپس فرمود: ای محمد، آیا مایلی آنان را ببینی؟ عرض کردم بلی. فرمود: قدمی پیش بگذار. من قدمی جلو نهادم. ناگاه دیدم علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی علیه السلام آن جا بودند و حجّت قائم (عج)، همانند ستاره‌ای درخشان در میان آنان بود. پس عرض کردم: پروردگار من اینان چه کسانی‌اند؟ فرمودند: اینان امامان هستند و این یک نیز قائم است که حلال کننده‌ی حلال من و حرام دارنده‌ی حرام من است، و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت. ای محمد، او را دوست بدار که من او را دوست می‌دارم و هر کس که او را دوست بدارد، من نیز او را دوست می‌دارم.

### لوحی فاطمه الزهرا (سلام الله علیه)

شخصی به نام جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی داخل خانه‌ی امام علیه السلام بودم. لوحه‌ای سبزرنگ و زمردین را در دستان مبارک فاطمه الزهرا (ملاء الله علیه) دیدم. در مورد آن از او سؤال کردم. فاطمه الزهرا (ملاء الله علیه) فرمودند: این لوحی است که از سوی خداوند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

به پیامبر خود اهداء شد و رسول اکرم ﷺ نیز آن را به من اعطاء نموده است. در این لوح نام پدرم، شوهرم و دو فرزندم و امامان بعد از آنها که از فرزندان من می‌باشند، آمده است و آخرین آنان قائم و مهدی (عج) می‌باشد.

### ویژگی‌های منحصر به فرد مهدی (عجل الله تعالی و فرجه الشریف)

پیامبر اسلام می‌فرمایند: بهشت مشتاق چهار نفر است از خاندان من که خداوند آنان را دوست دارد امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام.

امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: قائم ما دارای نشانه‌هایی از شش پیغمبر است. نشانه‌اش از نوح، طول عمر اوست. نشانه‌اش از ابراهیم مخفی بودن ولادت آن حضرت. نشانه‌اش از موسی، غیبت او. نشانه‌اش از عیسی، اختلاف نظر مردم در مورد او و دوری او از مردم است. نشانه‌اش از ایوب، گشایش و پیروزی پس از بلیات و گرفتاری‌ها و نشانه‌اش از پیامبر اسلام ﷺ رحمت و رأفت و قیام همه‌جانبه است.

طوره جنته  
المهدی

دوری و غیبت آن عزیز از امت خود نیز باعث شده که او را به یوسف نبی که مدتها در بند و زندانی بود تشبیه نمایند.

از خصایص دیگر حضرت، ایجاد حکومت کریمه‌ی عدل و داد در سراسر جهان است. در روایت آمده است که: در دنیا چهار نفر آمدند که حکومت‌شان جهانی شد. نمرود و بخت‌النصر که کافر بودند و حضرت سلیمان و ذوالقرنین که مؤمن بوده‌اند و به زودی پنجمین نفر که از اهل اسلام و خاندان رسول اکرم است و حاکم تمامی زمین خواهد شد، می‌آید.

اللهم صل على محمد و آل محمد

## قدر قرآن، شأن امامت

بسم الله الرحمن الرحيم

انا انزلناه في ليلة القدر (۱) و ما ادراك ما ليلة القدر (۲) ليلة القدر خير من الف شهر (۳) تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر (۴) سلام هي حتي مطلع الفجر (۵).

ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم، و چه می دانی شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است. در آن شب فرشتگان و روح به اذن خدا، سرنوشت را فرود می آورند. آن شب تا سپیده صبح همه سلام است و سلامت.

در تفسیر آیات سوره ی قدر عنوان می شود که فرشتگان (جبرئیل) و روح، مقدرات یک ساله را نزد « ولی خدا و یگانه حجت زمان » می آورند و تقدیم وجود مبارکش می دارند.

در روزگار حضرت محمد ﷺ محلّ فرود فرشتگان در شب قدر آستان مبارک محمدی ﷺ بوده است و در دیگر زمان ها، جایگاه امام حاضر زمان، مأمّن و محلّ فرود و حضور فرشتگان و روح بوده و هست.

الطاهر المصاب

و همان گونه که شب قدر هست «صاحب شب عظیم قدر» نیز همواره وجود خواهد داشت. امروز آخرین حجّت حق و صاحب شب عظیم قدر، حضرت مهدی (عج) است که در ۱۴۰۱م غیبت کبری در عصر ما، امانت‌دار و خلیفه‌ی خداست. در زمین و نشانه‌ای است آشکار و روشن از لطف و رحمت ذات مقدّس الهی در میان مردم و خلائق.

### تجدید عهد همه‌روزه با امام

از جمله تکالیف انسان مسلمان در عصر غیبت، تجدید عهد همه‌روزه است. منتظر باید که همواره به یاد ولی عصر (عجل الله تعالی و فرجه الغریبه) باشد و در هر حال نام مقدّسش را بر زبان جاری سازد؛ ادعیه‌ی امام زمان را قرائت نماید؛ دعای ظهور و فرج حضرت و دعای سلامتی وجود نازنین او و ندبه و زیارات مخصوصه را بر لب مترنم سازد.

آن هنگام که موسی پیامبر ﷺ با خدای رحمان به مناجات می‌پردازد، ذات الهی به او می‌فرماید: «من با او که مرا یاد کند هم‌نشین خواهم بود.»



هر کس دوست دارد با ولی خدا باشد، با خلوص نیت در پنهان و آشکار از امام یاد کند و به ذکر نام او مشغول شود. اهل معنا و آن‌ها که هر دم بیاد امام پرده‌نشین خود هستند، می‌گویند: یاد و ذکر مداوم مقتدای دل‌ها و مولا و ولی خدا باعث باز شدن درهای رحمت و اسعه‌ی الهی و انوار ربوبی می‌گردد و هر قدر خالصانه و باصفا تر به یادش باشیم، حتی امکان گشوده شدن باب تشریف محضر مقدّس او را بیابیم، آسمان و زمین به برکت نازنین آن امام، نورانی است. زیرا وجودش همه نور است و هر کس او را یاد نماید و با نام و القاب حضرتش نجوا کند، ضمیر و قلبش نورانی می‌شود و این نور سرتاسر وجود او را فرا می‌گیرد و او را در مسیر زندگی راهنما و هادی و از لغزش‌ها و گناهان باز می‌دارد و انسان را به سوی وادی نور و روشنایی می‌کشاند و اعمال و رفتار فردی نیز به زیباترین وجه خواهد بود.

در این عصر انتظار آن دم که چشم بر صحیفه‌ی دعا می‌گشائیم و نام مقدّس او را زمزمه می‌کنیم، گوش درون ملتهب و دریایی خویش را به کنار آرامش کشانده‌ایم و جان به دریای مواجش



سپرده‌ایم. بدانیم که نسیم دعا، چشم دل را در دریای مهر و ارادت خدایی شست و شو داده است و زمان آن فرا رسیده است که هر لحظه منتظر قدم مبارکش باشیم و باور کنیم که کسی در میان سبزه‌های آغشته به رزهای سرخ رنگ با شکوفه‌های زرین اقاقی و چهچه‌ی بلبلان بی‌قرار می‌آید و لوای حق را به اهتزاز درخواهد آورد؛ آن لحظه را که در انتظار رؤیت خورشیدیم.

فقط نمی‌توان در اذهان بسته‌ی خود، او را به صورت افسانه‌ای ناب درآورد و چه صفایی دارد که بتوان دو رکعت نماز عشق را به ایشان اقتدا کرد.

بارالهی! سیمای فرخنده‌ی مهدی (عج)، ولی خودت را در زندگی

و پس از مرگ به ما بنمایان.

### پنجره‌ی سبز دعا

به عنوان زینت کلام، بیانی از صاحب الزمان (عج) را که بیان‌گر یکی از اصلی‌ترین وظایف ما در دوران غیبت می‌باشد و نگرش عمیق به مفهوم آن می‌تواند موجبات آماده‌سازی منتظران واقعی را فراهم آورد، می‌آوریم:



«فَاكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ...»

بر تعجیل فرج بسیار دعا کنید که گشایش و رهایی شما در این امر - نهاده شده است. یکی از وظایف شیعه، نیایش برای سلامتی وجود نازنین آن حضرت و تعجیل در ظهور شکوه‌مند بقیه الله (عج) است و این که از رب العالمین بخواهیم ما را جزء سربازان و یاوران او قرار دهد. امام صادق علیه السلام فرمایند: «... اگر زمان غیبت را درک کردی این چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ فَانكِ إِنَّ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفِ نَبِيَّكَ،

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَانكِ إِنَّ لَمْ تَعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفِ حَجَّتَكَ،

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَانكِ إِنَّ لَمْ تَعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ظَلَمْتُ عَنْ دِينِي؛

خدایا! خودت را به من بشناسان، که اگر تو خودت را به من

نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا! پیامبرت را به من

بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حتماً حجت تو را

نخواهم شناخت. خدایا! حجتت را بر من بشناسان که اگر حجتت را

بر من نشناسانی حتماً در دینم گمراه خواهم شد.»

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي  
نَفْسَكَ فَانكِ  
إِنَّ لَمْ تُعَرِّفْنِي  
نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفِ  
نَبِيَّكَ

کسانی که در همه‌ی احوال به یاد آقا  
بقیه الله الاعظم (عج) می‌باشند و لحظات شب و روز خود را با نام و یاد  
آن عزیز می‌گذرانند متقابلاً حضرت ولی عصر (روحی و ارواح العالمین  
له الفدا) از آنان در جمع یاران خاص خود و در نزد خداوند مهربان  
به نیکویی یاد می‌کند و آنان را مشمول عنایات و دعا‌های خاص  
خودش قرار می‌دهد.

دعا، خواندن خدای مهربان است از طرف بنده که نشانه‌ی  
محبت و نشان عاشقانه‌ی خداست. آموختن دعا و سفارش به دعا و  
داشتن یا فراهم نمودن زمینه‌ی دعا همه و همه فضل و رحمت  
بیکران خداست که از مجموعه‌ی مخلوقاتش فقط به انسان اعطا شده  
است؛ انسان سراپا نیاز و سراپا عشق و عجز.

از جمله آداب انتظار، خواندن دعای عهد در بامداد هر روز  
است. از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: هر کس چهل بامداد  
دعای عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد، اگر پیش از ظهور بمیرد  
او را از گور بیرون آورند و در وقت معلوم در خدمت آن حضرت  
باشد.

اللهم صل على محمد  
وآله الطاهرين

خدایا! ما را از زمره‌ی منتظرانی قرار ده که با دعای عهد انس دارند و در زمزمه‌ی حزین دل، به امام عصر (عج) اقتدا کنیم، آن‌گاه که برای فرج خویش می‌فرمایند: «أَمِينُ يَجِيبُ الْمَضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ»

حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدرضا بهاء‌الدینی همیشه در قنوت نمازهایش از دعا‌های قرآنی و ... استفاده می‌نمود. اما پس از مدتی مشاهده شد که این انسان صاحب مقام تشرف و عارف واصل در همه‌ی قنوت‌هایش دعای «اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن» را می‌خواند. وقتی دوستان و آشنایان علت را جویا شدند، جواب فرمودند: وجود مقدس و نازنین مولایم (صلوات الله و سلام علیه) سفارش داده و تأکید نموده‌اند که در نمازهای‌تان مرا دعا کنید. برای همین است که من هم پس از پیغام امام در قنوت‌هایم فقط و فقط امام عصر (عج) را دعا می‌کنم. «اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیه و الا آبائه، فی هذه ساعه و فی کل ساعه، ولیاً و حافظاً و قاعداً و ناصرأ و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه عرضک توعا و تمته فیها طویلاً. برحمتک یا ارحم الراحمین»

اللهم صلواتک  
علیه

از دعاهای مهمی که برای روا شدن حاجت روایت شده و  
مشمول بر دعا برای تعجیل در ظهور امام می باشد و نیز توسل به  
حضرت جهت دفع هر نوع گرفتاری است، دعایی است که امام زمان  
(صلوات الله و سلام علیه) به مؤمنین تعلیم فرموده‌اند:

دعای فرج:

إِلٰهِ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخِفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ  
ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمَسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمَشْتَكَى وَ  
عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدِيدِ وَالرَّخَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ  
اَوْلٰى الْاَمْرِ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذٰلِكَ مِنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ  
عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيْبًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ يَا مُحَمَّدَ يَا عَلِيَّ  
يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدَ اِكْفِيَانِيْ فَاَنْكُمَا كَافِيَانِ وَ اَنْصُرَانِيْ فَاَنْكُمَا نَاصِرَانِ يَا  
مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ اَدْرُكْنِيْ اَدْرُكْنِيْ اَدْرُكْنِيْ  
السَّاعَةُ السَّاعَةُ السَّاعَةُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ بِحَقِّ  
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ الطَّاهِرِيْنَ.

فرازهای بلند زیارت ناحیهی مقدّسه را بخوانیم، زیارت ناحیهی  
مقدّسه، اشک‌واره گل نرگس است در مظلومیت گل فاطمه، تغزلی

است از بقیه الله (عج) برای حضرت ثارالله علیه السلام شرط ادب را به جای آوریم و در پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و همراه با او سیدالشهداء علیه السلام را سلام دهیم:

السَّلَامُ عَلٰی بَنِ زَمْزَمٍ وَ الصَّفَا - السَّلَامُ عَلٰی الْمَرْمَلِ بِالْدمَاءِ -  
السَّلَامُ عَلٰی الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ - السَّلَامُ عَلٰی خَامِسِ اصْحَابِ اَهْلِ الْكِسَاءِ  
- السَّلَامُ عَلٰی غَرِيبِ الْغَرْبَاءِ - السَّلَامُ عَلٰی شَهِيدِ الشَّهَدَاءِ...  
دعای ندبه متعلق به حضرت امام مهدی (عج) است که عاشقان  
امام قرائت می کنند. زیارت نامه ی آل یاسین و زیارت نامه ی مهدی آل  
محمد (عج) از ادعیه ی دیگری است برای تعجیل در ظهور.

امام رضا علیه السلام به هنگام ذکر لفظ «قائم» بر می خاست. سر نازنین  
خود را خم می کرد به سوی زمین، پس از آن که کف دست راست  
خود را بر سر خود می گذاشت و می فرمود: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ  
مُخْرَجَهُ وَ اَنْصِرْنَا بِهٖ نَصْرًا عَزِيزًا»

در منتهی الامال آمده است که: روزی در مجلس حضرت  
صادق علیه السلام اسم مبارک ولی عصر (عج) برده شد پس حضرت به جهت  
تعظیم و احترام آن جناب برخاستند.



## معرفت نسبت امام زمان

دیدار با امام زمان (عج) به عوامل روحی و عوالم معنوی وابسته است. باید حجاب از چهره‌ی جان و دیده‌ی دل برداشته شود تا قابلیت دیدار حاصل آید. آن کس که دل به مهر جمال دلارایش تافته و هوای وصال او را در جان می‌پرورد، بیش از هر چیز باید به ترک گناه و معصیت و حرام بیندیشد و اهتمام ورزد تا آلوده و گرفتار دامان شیاطین نگردد.

امام مهدی (عج) می‌فرمایند:

قَمَا يُحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهَةٌ وَلَا نُوَثَّرَةٌ مِنْهُمْ

اگر نامه‌های عمل شیعیان که هر هفته به ساحت مقدس عرضه می‌شود، سنگین از بار گناهایی نبود که ناخوشایند آن بزرگوار و خلاف توقع و انتظار ایشان از یاورانشان است، این دوری و جدایی به درازا نمی‌کشید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

## اهم وظایف شیعه نسبت به امام در عصر غیبت

۱- کسب معرفت و شناخت نسبت به آن امام و آشنایی با صفات و آداب آن بزرگوار.

۲- رعایت ادب نسبت به نام امام.

۳- رعایت ادب نسبت به یاد امام و ابراز محبت به آن عزیز.

۴- اطاعت از آن بزرگوار در مراحل متعدد زندگی.

۵- محبوب نمودن او در میان مردم.

۶- اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت.

۷- انتظار فرج و ظهور و استغاثه به وجود مقدس امام.

۸- ذکر فضایل و مناقب آن بزرگوار و تشکیل جلساتی جهت

این امور.

۹- اطاعت از امام و درود فرستادن بر آن بزرگوار و قیام

نمودن به هنگام شنیدن نام مبارک ایشان.

۱۰- تداوم بر دعای به آن حضرت و درخواست معرفت امام از

خداوند تبارک و تعالی تا سبب نجات ما شود و همچنین جهت

تعجیل در ظهور.





- ۱۱- صدقه دادن به قصد سلامتی آن بزرگوار و پرداخت صدقه به نیابت از آن حضرت.
- ۱۲- طواف بیت الله الحرام و انجام فریضه‌ی حج و زیارت مشاهد مقدّسه‌ی اسلامی به نیابت از آن حضرت.
- ۱۳- تجدید بیعت در فرائض دینی.
- ۱۴- سعی در خدمت کردن به آن بزرگوار و تصمیم قلبی بر یاری از او.
- ۱۵- صله‌ی شیعیان و دوستان صالح ائمه‌ی اطهار به وسیله‌ی مال و خوش حال نمودن مؤمنین.
- ۱۶- طلب خیر برای آن بزرگوار.
- ۱۷- زیارت و سلام به آن بزرگوار، هر لحظه و در هر مکان.
- ۱۸- هدیه‌ی ثواب نماز و اهدای قرائت قرآن به آن عزیز.
- ۱۹- اهتمام در ادای حقوق برادران دینی.
- ۲۰- توجّه و رعایت حقّ افراد «حقّ الناس» و عنایت به حرام و حلال در شریعت اسلام جهت خشنودی آن امام همام.
- ۲۱- تهذیب نفس.

اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

۲۲- تکذیب کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند. و ...

### فضایل و فواید دعا در فرج امام زمان (عجل الله تعالی و فرجه الشریف)

۱. شخص دعاکننده برای فرج، از خطر گمراهی در امان است.
۲. در زندگی دعاکننده گشایش به وجود می‌آید و پاک شدن معاصی وی.
۳. مشمول دعاهاى خاصّ امام زمان (عج) قرار می‌گیرد.
۴. اگر دعای فرج توسط اکثریت جامعه صورت گیرد ممکن است زودتر به فرج منجر شود.
۵. دعاکننده، به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) به توفیق رجعت نائل خواهد شد.
۶. خداوند به او افتخار می‌کند و فرشتگان برایش استغفار می‌کنند.
۷. در پناه امن حضرت صاحب الزمان (عج) قرار خواهد گرفت و از عنایات ویژه‌ی او برخوردار خواهد شد.



۸. شفاعت پیامبر اکرم ﷺ فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، امامان معصوم (علیهم السلام) و بخصوص شخص مهدی (عج) را به همراه دارد.

۹. راحت جان می دهد. آسان قبض روح می شود. موکلین وادی مرگ از او خواهند گذشت.

۱۰. ثواب یاری مظلوم به او می دهند.

۱۱. شرط ادب نسبت به امام را به جای آورده است.

۱۲. جایگاه او در بهشت برین به همراه علی علیه السلام خواهد بود و...

## دو خاتم

خاتمیت؛ حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران و انبیاء هستند و صاحب برترین شریعت و تکمیل کننده ی ادیان پیشین هستند. خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

ما کان محمد ابا احد من رجا لکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما. «سوره ی احزاب آیه ی ۴۰»  
محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ ولی فرستاده ی خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر همه چیز داناست.



همان حضرت که خاتم النبیین است و از او به عنوان ختم کننده‌ی ادیان و آخرین نبی یاد می‌شود، در جایگاه غدیر، در خطبه‌ی غدیر و پس از معرفی وصی خویش، درباره‌ی خاتمیّت حضرت مهدی می‌فرمایند: ... **إِلَّا أَنْ خَاتَمَ أُمَّتِنَا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، ... إِلَّا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مَخْتَارُهُ؛ إِلَّا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عَالَمٍ وَ الْمَحِيطُ بِهِ ...**

... آگاه باشید خاتم امامان ما قائم مهدی (عج) است؛ بدانید که او برگزیده و مختار خداوند متعال است. آگاه باشید که او وارث (علم) همه‌ی علما و محیط بر تمام علوم است. « منظور از علما، ائمه‌ی معصوم علیهم السلام هستند».

آن‌ها که آن روز آن‌جا وصایت علی عليه السلام را شنیدند، پیمان شکستند و حرمت رسول و آل رسول و وصی رسول را نگه نداشتند و غدیر و فرزندان غدیر را تا امروز خانه‌نشین کردند.

آخرین بازمانده‌ی غدیر از نسل رسالت و امامت هنوز از غربت آن سال‌ها در پس پرده‌ی غیبت مانده است. حال بر یکایک ماست که با افکار و منش و کردار خود این غربت را شکسته و زمینه‌ی ظهورش را فراهم کنیم.

المهدی  
عليه السلام

## تهمت ناروا

داخل خانه‌ی حضرت امام علی النقی علیه السلام سردابی بود که آن حضرت و امام حسن عسکری علیه السلام در آن عبادت می کردند. اکنون نیز آن سرداب در صحن عسکریین (علیهم السلام) باقی است و شیعیان به زیارت آن می روند و تقدّس آن محل فقط به خاطر معبد امامان بودن، بوده و هست.

شیعه اعتقاد ندارد که امام زمان (عج) از آن جا غایب شده و در آن محل ظهور می نمایند. لکن برخی نویسندگان و تاریخ نگاران مغرض داستانی ساختگی را مبنی بر غیبت حضرت امام زمان (عج) در این سرداب، بیان کرده و این قصّه را وسیله‌ی مسخره و تمسخر شیعیان قرار داده‌اند و به انتقاد آن پرداخته‌اند و اتهام ناروای «به انتظار خروج امام از داخل سرداب ماندن» را به شیعه و عقاید او نسبت داده‌اند و به غلط و ناخواسته در بین مردم مشهور شده است. در حالی که با استدلال و مطالعه‌ی دقیق، خلاف مطلب به اثبات می رسد. مرحوم علامه‌ی امینی در الغدیر می فرماید:

«تهمت سرداب، تهمتی زشت‌تر است، شیعه اصلاً اعتقاد ندارد که امام در سرداب غیبت کرده است و روزی نیز از آن محل ظهور می‌نماید ... بلکه اعتقاد شیعه به مدد روایات بر آن است که او از مکه‌ی معظمه و برابر کعبه ظهور خواهد کرد و هیچ‌کس به سرداب قایل نیست و ...» ۲۰

### گوشه‌ای از خصائص حضرت مهدی (عج)

۱. ختم امامت و ولایت (حجّت) در روی زمین به او.
۲. بیعت کسی از زورمداران و ستم‌گران بر او نخواهد بود.
۳. خودداری از معاشرت و هم‌نشینی با کفار و منافقین به جهت تقیه و خوف با آنها و همانا از لحظه‌ی ولادت دست ستم‌گران به دامان مبارکش نرسیده است.
۴. داشتن علامتی در پشت مثل علامت بر پشت مبارک رسول اکرم ﷺ که به آن ختم نبوت گفته‌اند. احتمالاً این علامت بر بدن مهدی (عج) ختم ولایت و وصایت باشد.

الله اعلم

۵. آشکار گشتن آیات غریب و علامات آسمانی و زمینی جهت ظهور آن حضرت (آن علامات و نشانه‌ها برای تولد و ظهور هیچ حجتی نشده).

۶. شنیده شدن ندای آسمانی به اسم آن جناب مقارن با ظهور (در روایات فراوانی این نکته آمده است).

۷. طول عمر با عظمت آن حضرت.

۸. پدیدار گشتن گنج‌ها و ذخایر از دل زمین.

۹. بارش فراوان باران و زیاد شدن گیاه و درختان و میوه‌ها و

دیگر نعمت‌های زمینی به صورتی که حالات زمین آن موقع با زمین امروزی تفاوت کند.

۱۰. به برکت ظهور وجود آن حضرت، عقل انسان‌ها کامل خواهد شد.

۱۱. از بین رفتن کینه و حسد و دیگر رذایل پست اخلاقی از دل

مؤمنین.

۱۲. سیطره‌ی قدرت و سلطنت آن حضرت تمام عالم را در بر

می‌گیرد.

۱۳. اسلام واقعی به تمام معنای کلمه به منصفی ظهور می‌رسد.



۱۴. گسترش عدل و داد در سراسر عالم هستی توسط آن

حضرت.

۱۵. نزول عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان برای یاری حضرت

مهدی علیه السلام و اقامه‌ی نماز به امامت او.

۱۶. قتل دجال.

۱۷. قطع پادشاهی سلاطین جبّار و دولت‌های ظالم در دنیا.

۱۸. اجرای احکام مخصوصی که تا آن زمان اجرا نشده است.





## حرف آخر

همّت بدرقه‌ی ره کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

ترک این مرحله بی‌همره‌ی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

ای بلندای شکوه‌مند امامت! بلندترین ایستگاه آرزوهایم! به نام تو و با یاد تو بر صدف خاطرات نقش حیات گرفت، اما دیدگان تازه از راه رسیده‌ام در جست‌وجوی پناه امن آرامش‌گونه‌ی کهن‌سال توست.

چشم‌هایم در جست‌وجوی دست‌های مهربان سپیده‌ی صبحی

است تا مرا به دامن آسمانی نگاهت بر اوج قلّه‌های انتظار بالا برد.

با من حرف بزن تا واژه‌های باور تو، توشه‌ی یک عمر اندیشه‌ام

باشد. در پایان دفتر اوّل ضمن عرض امتنان به خواننده‌ی عزیزمی که

سطر سطر این نوشتار را با عشق و نام ولی خدا، بقیّه‌الله الاعظم (عجل الله

تعالی و فرجه‌الخریفة) به نظاره نشستنی و مجال دقت‌نظر دست داد،

مستدعی است نواقص را به دیده‌ی همّت نگریسته، فروتنانه و با

طایر قدس

اشتیاق جهت پربار شدن این کتاب در چاپ دیگر، پذیرای نقطه نظرات خوانندگان محترم از طریق ارتباط با شماره تلفن همراه ۰۹۱۳۲۹۰۰۱۱۲ خواهم بود.

هم چنین بر خود لازم می دانم مراتب قدردانی خود را از هم کاری صمیمانه و صادقانه دوست ارزش مندم جناب آقای حسین غدیری که امر ویرایش و ویراستاری این اثر را بر عهده گرفتند، تقدیم دارم.

در مجموعه‌ای دیگر سفره‌ی دل و دیده‌ی جان خویش در ورای انتظار که «پلّه‌های احساس» نام گرفته، گشوده‌ایم تا تلخی غم غیبت را به حلاوت تماشای پرواز در اوج «پلّه‌های احساس» برجان پذیرا گردیم.

اماما! آمدنت را به انتظار نشسته‌ام تا روزی از ورای ابرهای بغض‌آلود زمان طلوع کنی تا نسیم خوش‌آهنگ صدایت، گونه‌ی شیعه‌ات را به نوازش وا دارد.

به من بیاموز چه‌گونه باید عبور کرد راه غیبت را و با کدامین نگاه، هم‌نورد افق‌های دور باید شد؟ دلم می‌خواهد پیوند زخم، راه

چشمان منتظرم را به راهی که بیاید آن «روح باور ایمان» که شاید بتوانم به تماشایش بنشینم در صعود از قلّه‌های سبز انتظار با دستانی به قوت ایمان. توشه‌ای می‌طلبم از واژه‌های به هم پیوسته‌ی امامت، و انتظار را فریاد می‌کشم و تا انتهای کوچه‌ی پر پیچ‌وخم زندگی می‌دوم بر پای ایمان و احساس تا اوج قلّه‌های سبز انتظار با دیدگانی خسته، نه ناتوان بلکه رنجور از رنج انتظار و به احساس سبز می‌نشینم «پلّه‌های احساس» را.

باشد که «پلّه‌های احساس» را نیز هم‌چون این مجموعه، نوازش‌گر دستان با محبت‌تان بیابم.

والسلام

شعبان المعظم ۱۴۲۸ هـ. ق

برهان سجّادی نسب



## یادداشت‌ها

- ۱- کافی جلد ۱ ص ۳۷۱
- ۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۰۵
- ۳- سوره اسراء ، آیه ۸۱
- ۴- سوره قصص ، آیات ۵ و ۶
- ۵- سوره القلم ، آیه ۴
- ۶- سوره هود آیه ۸۶
- ۷- سوره اسراء آیه ۸۵
- ۸- فرازی از دعای ندبه
- ۹- آیاتی از سوره قدر
- ۱۰- سوره مریم آیات ۳۰ - ۳۳
- ۱۱- سوره انشقاق آیه ۱۹
- ۱۲- جلد سیزدهم بحار الانوار ص ۹۲۸
- ۱۳- برگرفته از « ولایت فقیه » امام خمینی « رحمه الله علیه »
- ۱۴- البيان فی الاخبار صاحب الزمان گنجی شافعی ص ۱۴۲

چاپ بیروت

۱۵- سوره عنکبوت آیه ۱۴

۱۶- سوره الصافات آیه ۱۴۴

۱۷- سوره انبیاء آیه ۴۴ و با این مضمون آیه ۴۵ سوره قصص

۱۸- سوره نساء آیه ۱۵۷

۱۹- سوره یس آیه ۸۲

۲۰- الغدير جلد سوم ص ۳۰۹



## کتابنامه

- قرآن کریم
- مفاتیح الجنان اثر محدث قمی
- بحار الانوار از محمد باقر مجلسی
- منتهی الآمال از شیخ عباس قمی
- نجم الثاقب تألیف محدث میرزا حسین نوری
- دارالسلام در احوالات حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشریف) تألیف علامه شیخ محمود عراقی
- الغدیر اثر علامه امینی
- خورشید مغرب، نوشته محمود حکیمی
- نشریه موعود

